

مطالعه جامعه‌شناختی تعاملات نشاطبخش در شهر مشهد (یک مطالعه ترکیبی)

دکتر محمدحسن شربتیان^۱

تاریخ وصول: ۹۹/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۹

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر توصیف شیوه‌های بهره‌گیری از تعاملات نشاطبخشی و سنخ‌بندی آن بوده است. این پژوهش در گام، کیفی (مطالعه موردی جمعی)، گام کمی (پیمایش از نوع توصیف) و روش درون‌یابی نقطه‌ای (تحلیل فضایی) از نمونه‌گیری هدفمند - نوعی، تصادفی ساده متناسب با حجم هر منطقه شهری و نمونه‌گیری مکانی و منطقه‌ای بهره برده است. جمع‌آوری یافته‌ها بر تحلیل تماتیک، توصیف آماری، و تحلیل فضایی و خوشه‌بندی بوده؛ و از مصاحبه نیمه عمیق، پرسشنامه محقق ساخته و ترسیم نقشه‌های شهری استفاده شده است. قلمرو پژوهش مناطق شهری ۱۳ گانه مشهد در سال ۱۳۹۷ بوده است. واحد مشاهده افراد، در رویه کمی خانوار و در سطح تحلیل فضایی بلوک‌های شهری بوده است. میزان آلفای تحقیق برابر با (۰/۸۰) بدست آمده است. بر اساس یافته‌های کیفی، تعاملات نشاطبخش در دو سر طیف نشاط‌دهندگی (تیپ گرم و سرد) و نشاط‌گیرندگی (دریافت‌کننده نشاط) تعریف شده‌اند. مهم‌ترین مقوله‌های کیفی، نمایشی کردن موقعیت رفتاری و بیانی، شالوده‌شکنی موقعیت‌های بیانی و رفتاری، نفوذ اجتماعی، نوع‌دوستی، دیگرخواهی، درون‌نگری همدلانه، کسب آرامش و کاهش تنش روزمره بوده است. نتایج کمی و تحلیل فضایی این است که تیپ گرم معطوف به شور و شعف بسیار پایین‌تر از حد متوسط و تیپ سرد معطوف به حس خوب در حد متوسط رو به بالا بوده است. در نهایت میزان نشاطبخشی در بین مناطق (۱، ۲، ۴، ۵) کمتر از حد متوسط و در مناطق (۳، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲) متوسط رو به بالا بوده است.

مفاهیم کلیدی: تیپ گرم و تیپ سرد، تعاملات نشاطبخش، شیوه‌های رفتاری و بیانی، مشهد

^۱ دانش‌آموخته‌ی دکتری جامعه‌شناسی (بررسی مسائل اجتماعی ایران)، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران sharbatian@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

در اندیشه‌ی غرب براساس رویکرد فردی شادی در بُعد اجتماعی آن به‌عنوان خلق عاطفی مثبت، در نظر گرفته می‌شود که با هدف لذت در لحظه، در ارتباط با دیگران تعریف می‌شود. Argyle و همکارانش شادکامی را ناشی از روابط مثبت با دیگران، هدفمند بودن زندگی و دوست داشتن دیگران تعریف می‌کند (Argyle & et al, 1995: 107). سلیگمن Seligman جزء اجتماعی شادی را مرتبط به زمان حال دانسته؛ که بیشتر به لذت^۱ و خوشی‌ها^۲ معطوف است و با مفاهیم شور و شغف، ارگاسم، سرزندگی، راحتی و ... مترادف است (Seligman, 2016:135)؛ در این بُعد شادی معطوف به روابط اجتماعی قوی و مطلوب مشارکتی است (Seligman, 2015).

جامع‌ترین تعریف نشاط را Veenhoven بیان کرده است. شادی به درجه یا میزانی اطلاق می‌شود که شخص به وسیله‌ی آن درباره‌ی مطلوب بودن کیفیت کلی زندگی خود قضاوت می‌کند (Veenhoven, 1984). بر اساس این تعریف نشاط در بُعد اجتماعی ناشی از بودن و تحقق یافتن (Ghafari & Habibipourgetabi, 2014) روابط اجتماعی مثبت نسبت به دیگران محقق می‌شود. بنابراین از دیدگاه جامعه‌شناختی نشاط با مناسبات اجتماعی، نظام قدرت، ارزش‌های فرهنگی و بافت تاریخی جامعه پیوند دارد (Anbari, 2013:106). علاوه بر این مفهوم نشاط به‌عنوان یک کاتالیزور، نقش تسریع کننده‌ای در فرآیند توسعه‌ی یک جامعه دارد (Chalabi & Mousavi, 2014:257).

از ابتدای قرن بیست و یکم سازمان ملل متغیرهای نشاط، امید به آینده، خشنودی و رضایت‌مندی را به‌عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات سطح توسعه‌یافتگی جوامع کرده است (Diener & Seligman, 2002:83). با توجه به اینکه رتبه‌ی نشاط ایرانیان از سال ۲۰۰۵ تا حال حاضر بین ۱۰۵ تا ۱۱۸ در نوسان بوده است و میانگین نمره‌ی شادی ایرانیان از ۱۰ بین ۴/۶۰ تا ۴/۸۰ در نوسان بوده است (Anbari, 2018)؛ بیانگر این است که نشاط جمعی در جمع‌های صمیمی ایرانیان چندان مطلوب نیست و مفهوم تعاملات نشاط‌بخش به‌عنوان یک فهم کنش انسانی در نقش کاتالیزور، شاخصی در روند سلامت، و توسعه‌ی جامعه ما نادیده گرفته شده است. در همین ارتباط نرخ شاد زیستی در بین کشورهای جهان را به سه دسته تقسیم می‌شود.

• کشورهای که شادکامی کاملاً صعودی دارند: اکثر کشورهای صنعتی و در حال توسعه‌ی صنعتی دنیا چون هند، ایرلند، مکزیک، پورتوریکو، کره‌ی جنوبی، دانمارک، کانادا، آرژانتین، ایتالیا، ژاپن و ... در این دسته قرار دارند.

¹ pleasures

² gratifications

• کشورهای که بدون تغییر هستند: در این دسته، کشورهای چون سوئد، نروژ، سوئیس، بلژیک، فنلاند و اسپانیا قرار می‌گیرند.

• کشورهایی که با عمدتاً با شادکامی نزولی روبرو هستند: در این دسته کشورهایی همچون چین، ایران و ... قرار دارند (Anbari, 2018:217-218).

علاوه بر این اگر وضعیت شادمانی ایرانیان در گستره‌ی جهانی، مطلوب نیست؛ وضعیت استان خراسان رضوی نسبت به سایر استان‌ها جای بسی تأمل دارد. بنا بر تحقیق جهاد دانشگاهی در سال ۱۳۹۴ سه استان یزد، کرمانشاه و خراسان رضوی از منظر روان‌شناختی به ترتیب غمگین‌ترین استان‌ها بوده‌اند؛ و چون این یافته‌ها در سطح مراکز استانی تکمیل شده است می‌توان به بیان‌دیگر گفت که شهر مشهد از نظر سطح شادکامی نسبت به وضعیت میانگین کشور پایین‌تر است

(<http://www.irna.ir/fa/PhotoNews/3580203>)



شکل ۱: میزان وضعیت شادکامی در ایران (میزان شادکامی استان‌ها)

Figure 1: Happiness status in Iran (Happiness of Provinces)

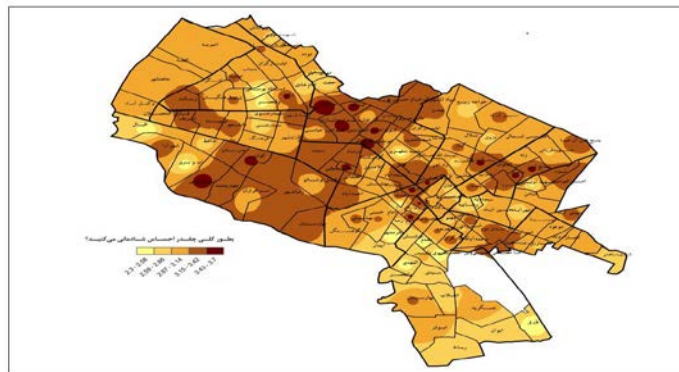
همچنین یافته‌های پژوهش (Babaei, 2010) در مورد نشاط شهروندان مشهد نشان می‌دهد که برگزاری جشن‌های خانوادگی، اجرای تئاتر، برپایی جشن‌های طنز و موسیقی و کنسرت می‌تواند بر افزایش شادی جوانان این شهر مؤثر باشد. نتایج تحقیق (Akbari, 2015) در کلان‌شهر مشهد نیز حاکی از آن است که وضعیت نشاط در این شهر خوب نیست. جدول ذیل به اجمال بیانگر این وضعیت است.

جدول ۱: توصیف میزان احساس شادی پاسخگویان در شهر مشهد

Table 1: Describing the Level of Happiness of the Respondents in Mashhad

به طور کلی چقدر احساس شادمانی می کنید؟			
<i>In General, How Happy Do You Feel?</i>			
درصد توزیع فراوانی پاسخگویان شهر مشهد			
<i>Percentage of Frequency Distribution of Respondents in Mashhad</i>			
اصلاً	کم و خیلی کم	تا حدودی	زیاد و خیلی زیاد
40	21/3	40/1	34/6

همان گونه که جدول نشان می دهد بیش از $\frac{1}{2}$ از پاسخگویان مناطق شهری این تحقیق (۶۱/۴ درصد) در زندگی خود احساس شادمانی متوسط رو به پایینی داشته اند. البته برخی از مناطق شهر مشهد نسبت به سایر مناطق سطوح پایین تری از شادمانی را تجربه کرده بودند.

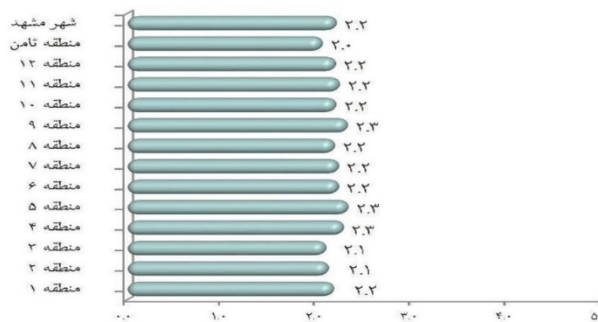


نقشه ۱: توزیع فضایی میانگین احساس شادمانی پاسخگویان به تفکیک محله های شهر مشهد

Map 1: Spatial Description Mean of Happiness of Respondents by Neighborhoods of Mashhad

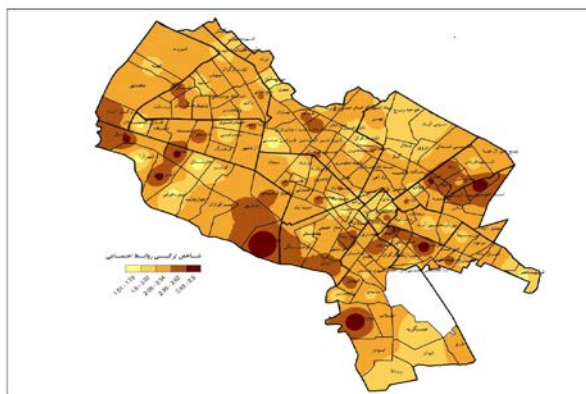
حتی می توان در راستای فقدان تعاملات نشاطبرانگیز در این شهر به این بخش از نتایج تحقیق (Akbari, 2015) اشاره کرد که میانگین شاخص روابط اجتماعی شهروندان محله ها و مناطق شهری مشهد متوسط رو به پایین بوده است.

میانگین روابط اجتماعی به تفکیک منطقه (دامنه ۰ تا ۵)



نمودار ۱: میانگین روابط اجتماعی به تفکیک مناطق شهری مشهد

Graph1: Average of Social Relations by Urban Areas of Mashhad



نقشه ۲: توزیع فضایی روابط اجتماعی پاسخگویان به تفکیک محله‌های شهر مشهد

Map 2: Spatial Distribution of Respondents' Social Relations by Neighborhoods of Mashhad

حال اگر در نظر بگیریم که در اکثر فرهنگ‌ها؛ ارتباطات اجتماعی و تعاملات جمعی، کلید بهزیستی و شادی افراد می‌تواند باشد. از این طریق ما می‌توانیم مسیر اجتماعی بودن نشاط را از مسیر فردی آن درک نمائیم (Newman, 2018). از منظر فهم وبری، کنش انسانی در صورتی اجتماعی است که کنش گر برای آن معنای ذهنی قائل شود و ناظر به دیگری باشد و از رفتار دیگری متأثر شود (Weber, 2014:50). بر این اساس تعاملات و سطح روابط نشاط‌برانگیز بین افراد تا جایی معنای کنش اجتماعی به خود می‌گیرد که متأثر از رفتار و حضور دیگران در جمع صمیمی باشد یا این کنش‌های معنادار به صورت مفاهمه، مبادله گردد؛ و یا کنش فرد در واقعیت، باید از این معانی مبادله شده متأثر گردد.

با این وجود می‌توان احتمال داد که تعاملات ضعیف، ضعف شبکه‌های ارتباط اجتماعی، ابراز عواطف و احساسات اجتماعی منفی به همراه پیوندهایی غیر صمیمانه شهروندان منجر به کاهش پدیده‌ی شادی و نشاطبخشی در شهر مشهد شده است؛ از این رو ضرورت فهم و شناخت تعاملات نشاط‌برانگیز می‌تواند به‌عنوان یک مفهوم جامعه‌شناختی مورد تأمل قرار گیرد، همچنین ضعیف‌تر شدن روابط نشاطبخش در شهر مشهد به‌واسطه‌ی حضور افراد در جمع‌های صمیمی به مرور زمان منجر به کاهش انسجام و یکپارچگی روابط اجتماعی شده است که می‌تواند احتمال به خطر افتادن سلامت پایدار، تعهد اجتماعی، اعتماد و اطمینان متقابل شهروندان را به همراه داشته باشد.

لذا در این تحقیق (نوشتار) در پی آن هستیم که نشاطبخشی را به‌عنوان سازه‌ی جمعی (اجتماعی) ناشی از تعاملات و کنش‌های سازنده در هم‌نشینی‌های راحت و خودمانی مورد فهم قرار داده و به‌صورت بومی و محلی شناسایی و تحلیل فضایی کنیم. با در نظر گرفتن این نکات، در این پژوهش کوشیده‌ایم به این سؤال پاسخ دهیم که: نشاطبخشی چیست؟ چه سنخ‌هایی دارد؟ از چه شیوه‌هایی در جمع‌های صمیمی برخوردار است و از چه توزیع جغرافیایی و فضایی در بین مناطق شهری این پدیده برخوردار است؟

برای پاسخگویی به این پرسش از روش ترکیبی^۱ و آمیخته به صورت بین رشته‌ای بهره برده شده است.

با توجه به اینکه ادبیات تجربی در خصوص مطالعه‌ی نشاطبخشی کمتر تولید شده است در این بخش در نظر داریم به اختصار ادبیات تجربی در خصوص نشاط در سطوح مختلف در منابع داخلی و خارجی جهت غنای مفهوم مورد پژوهش برای مخاطبان بیان کنیم.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

در اکثر تحقیقات دهه‌های اخیر در جامعه‌ی علمی ایران نشاط به‌عنوان یک متغیر وابسته مبتنی بر رویکرد روانشناسی با تأکید بر پرسشنامه‌ی آکسفورد مطالعه شده است. بنابراین با نگاهی به تحقیقات انجام شده بین سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۹ در جدول ذیل مهم‌ترین متغیرهای مستقل و سطوح تحلیل آن‌ها را که اثرگذار بر متغیر وابسته شادی/نشاط بوده است، جهت آگاهی بیان شده است.

^۱ mixed method

جدول ۲: سطوح تحلیل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته شادی/ نشاط

Table 2: Levels of Analysis of Independent Variables on the Dependent Variable of Happiness

سطوح تحلیل	متغیرهای جمعیت‌شناختی: سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، درآمد، شغل
Levels of Analysis	Demographic Variables: Age, Sex, Education, Marital Status, Income, Occupation
سطح خرد	متغیرهای غیر زمینه‌ای: اقتصادی: (اوضاع اقتصادی، شانس و اقبال، موقعیت شغلی، مرتبه‌ی شغلی، موقعیت اقتصادی، رضایت از وضعیت اقتصادی و ...) اجتماعی: (وسایل ارتباط جمعی، انتخاب عقلانی و اخلاقی، انتخاب دیگرخواهانه، احساس رضایت نسبی، احساس امنیت / ناامنی، احساس بی‌نظمی / بی‌هنجاری، تنوع نقش‌های جدید، موقعیت اجتماعی، وضعیت تحصیلی، انزوای اجتماعی، رضایت از محیط خانوادگی، رضایت از محیط دوستان، رضایت از محیط همکاران، رضایت از محیط همسایگان، رضایت از محل زندگی (شهر / روستا)، رضایت از امکانات شهری، رضایت از وضعیت تغذیه، رضایت از سلامت جسمانی، رضایت از کل زندگی، تعاملات همسایگی، اوقات فراغت، سرگرمی، فعالیت‌های ورزشی، مسافرت کردن و ...) روانشناختی: (درک عاطفی و شناختی از شادی، عزت نفس / حرمت نفس، احساسات مثبت، احساس احترام، احساس آسایش، انرژی مثبت، خلق مثبت، امید به آینده، احساس عدالت (توزیعی)، توانمندسازی، حمایت اجتماعی، تحمل‌پذیری، مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، تجربه‌های جدید، روحیه‌ی حماسی، عدم احساس محرومیت، عدم دستیابی به اهداف و ...) فرهنگی: (هویت محلی، غضب اخلاقی، فضای مناسب اخلاقی، پابندی به ارزش‌های دینی و ...)
سطح میانی	پیوندها و ارتباطات: اعتماد به دیگران/ اجتماعی، انزوای اجتماعی، مقبولیت/ پذیرش اجتماعی، رابطه‌ی اجتماعی سرمایه‌ها: سرمایه‌های اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی (اعتماد، مشارکت، انسجام)، سرمایه‌ی فرهنگی
سطح کلان	محرومیت نسبی، نابرابری، هویت جمعی، هویت قومی، آنومی، انسجام اجتماعی، ادغام اجتماعی

با توجه به مباحث جدول بالا این مطالعات بر روی عوامل مختلفی تأکید کرده است؛ که آنها را می‌توان در پنج دسته قرار داد: ویژگی‌های روانشناختی (شخصیت، عزت نفس، برون‌گرایی، خوش‌بینی، احساس محرومیت و ...)؛ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات و ...)؛ ویژگی‌های اقتصادی (داشتن شغل و رضایت شغلی، درآمد، وضعیت مسکن و ...)؛ ویژگی‌های فرهنگی (فعالیت‌های اوقات فراغت، اعتقادات مذهبی، سرمایه‌ی فرهنگی و ...)؛ ویژگی‌های اجتماعی (سرمایه‌ی اجتماعی، روابط اجتماعی توأم با اعتماد، تعامل اجتماعی، حمایت اجتماعی، انزوای اجتماعی، آنومی و ...) (Moradi,

2016:174). در همین ارتباط باید بیان کرد که مطالعات دهه‌ی ۷۰ نشان می‌دهند که میانگین نشاط در این سال‌ها "متوسط" بوده است. در دهه‌ی ۸۰ سطح نشاط "متوسط رو به بالا" گزارش شده است. در مطالعات نیمه‌ی اول دهه‌ی ۹۰ در سطح ملی نشاط ایرانیان "متوسط رو به پایین" بوده است (Anbari, 2013:114).

ب) تحقیقات خارجی

در ادبیات غربی مطالعات تجربی روش‌مند حوزه‌ی نشاط از دهه‌ی ۶۰ به این سمت آغاز شده است. این نوع نگرش، از اواخر دهه‌ی ۷۰ به بعد در میان جامعه‌شناسان با مطالعات "کیفیت زندگی" و "رضایت از زندگی" و "ایستارسنجی" تکوین یافته است (Zokaei, 2016:416). با توجه به این مطلب وی در نوشتاری به مطالعه‌ی موانع و سیاست‌های نشاط پرداخته است^۱. جدول ذیل بر گرفته از مباحث این نوشتار به اختصار در خصوص متغیرهای مرتبط با نشاط در ادبیات تجربی خارجی همانند جدول قبل در سطوح مختلف بیان می‌گردد.

جدول ۳: متغیرهای مستقل شناسایی شده (ادبیات تجربی خارجی)

Table 3: Identified Independent Variables (Foreign Experimental Literature)

متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، درآمد، شغل)	سطوح تحلیل
<i>Demographic Variables (Age, Sex, Education, Marital Status, Income, Occupation)</i>	<i>Levels of Analysis</i>
متغیرهای غیر دموگرافیک: درآمد، ثروت، بهره‌وری، نوع کار، افزایش ساعات کار، مصرف، تحرک اجتماعی، کیفیت زندگی، فعالیت‌های مدنی، فعالیت‌های دینی، ارزش‌ها، فراغت، چرخه‌ی زندگی، قابلیت‌ها، دسترسی به فرصت، سلامت (جسمانی و روانی)، احساس امنیت، شخصیت، خودشکوفایی، مثبت‌اندیشی، عزت نفس، اعتماد به نفس، هوش، رضایت از زندگی، رضایت خاطر، رفاه ذهنی، امیدواری، استقلال عمل، خلق مثبت	سطح خرد
پیوندها و ارتباطات: ارتباطات خانوادگی، دوستان، همکاران، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی	سطح میانی
تولید ناخالص، آزادی‌های سیاسی و اقتصادی، اعتماد نهادینه‌شده، برابری و عدالت اجتماعی و توزیعی، رضایت نسبی، سیاست اجتماعی و رفاهی، امنیت اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی (Zokaei, 2016)	سطح کلان

^۱ آدرس این مقاله در منبع ذکر شده است.

مبانی نظری پژوهش

جامعه‌شناسی، شادی را علاوه بر حالتی درونی به مثابه پدیده‌ای اجتماعی متأثر از روابط با دیگران، میزان کسب موفقیت‌ها، تأمین نیازها و انتظار از محیط اجتماعی در نظر می‌گیرد (Taylor, 2018:73).

در این قسمت، از رویکردهایی بهره می‌بریم که می‌تواند جهت غنای فکری و راهنمایی برای موضوع مورد مطالعه مؤثر واقع شوند. بر این اساس کرسول (Creswell, 2003) و ماکسول و لومیس (Loomis & Maxwell, 2003) استفاده از اندیشه‌ی صاحب‌نظران را همچون لنز نظری^۱ در نظر می‌گیرند که محقق را برای شناخت بیشتر مفهوم به اکتشاف و برون‌ریزی فکری درمیدان پژوهش جهت می‌دهد تا بتواند بر اساس ترکیبی از این مفاهیم، موضوع مورد مطالعه را براساس شرایط محلی و فرهنگی تعریف کند (Mohammad Pour, 2013).

در مکتب کنش متقابل نمادین در بحث نظریه‌های کولی (Cooley) وی در خود آینه‌سان^۲ استدلال می‌کند آگاهی یک شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران درباره‌ی خودش است (Coser, 1994:410). این خود در گروه‌های نخستین بر اساس روابط صمیمانه، فاصله‌ی اجتماعی نزدیک با دیگران و احساسات خودگروهی یا ما در مفهوم ساده یک من خودمحورانه شکل می‌گیرد (Dalaney, 2010:237). با توجه به این مفهوم وی در بحث روش‌شناختی، خود را به جای دیگران قرار دادن تأکید می‌کند؛ و تلاش می‌کند که برای فهمیدن معانی و انگیزش‌های طرف مقابل رفتارهای وی را انجام دهد تا درون‌نگری همدلانه^۳ شکل گیرد (Ritzer, 2010).

گافمن (Goffman) معتقد است انسان‌ها برای حفظ خود پنداره^۴ ثابت برای بینندگان نقش ایفاء می‌کنند (Ritzer, 2014:502-3) وی اشاره به مدیریت تأثیرگذاری^۵ می‌کند، این مفهوم متضمن تکنیک‌هایی است از قبیل ژست‌های ناخواسته یا حرکات، مداخله‌های بی‌موقع، لغزش و نیز کنش‌های قصد شده و ... که کنشگران به کار می‌برند تا در برابر مسائلی که احتمال دارد با آن‌ها روبرو شوند و روش‌هایی که برای مقابله با این مسائل به کار می‌روند، تأثرات معینی را حفظ کنند (Ibid:250). وی به ضرورت مناسک در زندگی روزمره می‌پردازد و آن را نوعی الزام بیرونی بر رفتار اجتماعی دانسته که

¹ theoretical lens

² looking-glass self

³ empathic introspection

⁴ self image

⁵ effective management

باعث می‌شود برای فرد محدودیت هم بوجود آورد و هم منبعی باشد که افراد برای تعامل اجتماعی‌شان می‌توانند استفاده کنند (Manning, 2001).

در چنین سطح خردنگری احساسات کالینز (Collins) هم ناشی از این تعاملات متقابل می‌تواند با نشاطبخشی در ارتباط باشد. در این سطح از مطالعات وی صحبت از کنشگرانی می‌کند که با توجه به انرژی احساسی^۱ یا انرژی عاطفی که از موقعیت‌های کنش متقابل آئینی^۲ نصیب‌شان شده احساسات‌شان برانگیخته می‌شود و دست به کنش می‌زنند این انرژی به صورت موقتی در شادی، دستپاچگی، ترس و خشم در زندگی روزانه شکل می‌گیرد؛ و به صورت یک لحن احساسی بادوام در موقعیت‌های مختلف از ثبات نسبی برخوردار است؛ و به مثابه تغییر و خلق هویت جمعی در آیین‌های موسوم به همبستگی^۳ به صورت واگیر احساسی^۴ به صورت متقابل، دگرگونی ایجاد می‌کند (Rabbani, Khorasgani & Kianpour, 2009: 44)

از منظر دیگر یکسری از خلاقیت‌ها در حوزه‌ی نشاطبخشی با کارکرد تأثیرگذاری و نفوذ اجتماعی همراه است. بر این اساس نفوذ اجتماعی آن است که، کسی توان تحت تأثیر قرار دادن دیگران را چه با گفتار و چه با رفتار خود داشته باشد (Franzoi, 2006:177) نفوذ اجتماعی مستلزم آن است که شخص یا گروه برای تغییر دادن نگرش‌ها یا رفتار دیگران، قدرت اجتماعی خود را اعمال کند. منظور از قدرت اجتماعی، نیرویی است که شخص نفوذکننده جهت ایجاد تغییر مورد نظر در اختیار دارد. این قدرت محصول دسترسی به برخی منابع و امکانات است مثل پاداش‌ها، تنبیهات و اطلاعات را به همراه دارد؛ این منابع و امکانات نیز محصول جایگاه اجتماعی افراد در جامعه یا محصول علاقه و تحسین دیگران می‌باشند (Karimi, 2002:85).

در رهیافت پساساختاری^۵ در اندیشه دریدا (Derrida) بحث شالوده‌شکنی^۶ هم می‌تواند در ارتباط با تعاملات نشاطبخش باشد دریدا در این بحث در تلاش است که نظم تقابلی دوتایی ساختار را که مبتنی بر اهمیت لنگه‌ی اول که فرادست است و لنگه‌ی دوم فرودست را بشکند و بیان می‌کند که لنگه‌ی دوم همانند بخش اول ضرورت یکسان را در زندگی دارد، بر این اساس هدف شالوده‌شکنی واسازی و باژگون‌سازی سلسله مراتب است که به توان به چشم‌اندازهای ارزیابانه‌ی جدیدی دست یافت (Mohammadi Asle,)

¹ emotional energy

² interaction ritual chains

³ solidarity rituals

⁴ emotional contagion

⁵ post structuralism

⁶ deconstruction

262-263:2009). شالوده‌شکنی به دنبال این است که فضای اجتماعی بازتری را برای بسط و تظاهر گسترده‌تر زندگی انسانی رقم زند و افراد و اشکال متفاوت‌تری را برتابد. با توجه به رویکردهای مطرح شده نشاطبخشی ناشی از تعاملات با دیگران به صورت ریختاری خردنگر می‌تواند قابل فهم، تحلیل و تفسیر قرار گیرد. بنابراین نشاط به‌عنوان یک رفتار عاملیتی (فردی) اجتماعی ناشی از احساسات مثبت و خلق عاطفی همراه با انرژی احساسی و هیجان از طریق خلاقیت‌ها و آگاهی به توانمندی‌ها و شکوفایی استعدادها در جهت خوب‌تر زندگی کردن در کنار برخورداری از نفوذ اجتماعی در گروه‌ها و جمع‌های صمیمی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این کنش بهم پیوسته، نوعی تعامل اجتماعی نمادین است که معنا و تفسیر می‌شود؛ و بر اساس تصور ذهنی فرد و جمع (دیگری) نوعی قضاوت اجتماعی یا خود آینه‌سان را برای فرد ایجاد می‌کند. این نوع کنش‌های متأثر از ساختارها با شیوه‌های مختلف کلامی، غیر کلامی و ژست‌های متفاوت فرد را به سمت مدیریت تأثیرگذاری هدایت و تشویق می‌کند. همچنین در برخی از مواقع با توجه به شرایط گوناگون، نشاط از طریق رفتارها و گفتارهای منفی و تابوشکن می‌تواند به تغییر جو حاکم (فضاء) کمک کند، بنابراین انجام حرکات، بیانات و سکنتات غیر عرفی و لاقیدانه (بی‌ادبی) بر اساس شالوده‌شکنی موقعیت ساختاری می‌تواند به تزریق نشاط جمعی ختم گردد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش رهیافت پراگماتیسم^۱ بر مبنای روش ترکیبی در حوزه‌ی رویه‌ی متوالی^۲ (Clark & Creswell, 2008) به مطالعه‌ی نشاطبخشی و سنخ‌های و شیوه‌های آن می‌پردازد. در گام کیفی با تکیه بر اهداف اکتشافی^۳ و راهبرد مطالعه‌ی موردی جمعی^۴ جمعی^۴ که دلیل به ادراک بهتر رسیدن بوده است (Stak, 2005:444). در بستر واقعی زندگی روزمره که بر بودن^۵ (Ebrahimi Louyeh & Mirzaei Rajooni, 2017) تکیه کرده تعاملات نشاطبخش فرد با دیگران واکاوی شده است. تحلیل تماتیک^۶ (تحلیل مضمون) مبتنی بر کدگذاری باز و محوری^۷ که طی آن از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به سنخ‌شناسی تحلیلی (Mohammad Pour, 2013)

¹ pragmatism approach

² sequential procedures

³ exploratory objectives

⁴ collective case study

⁵ noema

⁶ thematic analysis

⁷ open and axial coding

انتقال پذیری مورد نظر بوده است به صورت نمونه‌گیری هدفمند نوعی^۱ جهت انتقال پذیری یا برون‌یابی داده‌ها بهره برده شده است (Mohammad Pour, 2013:37). اطلاعات متنی از مشارکت‌کنندگان از طریق ابزار مصاحبه‌های نیمه‌عمیق تا زمانی استفاده شده که اطلاعات به تکرار، اقناع و اشباع رسیده است. شیوه‌ی گردآوری مصاحبه‌های فردی نیمه-ساختار یافته و مفهومی بوده است^۲. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا (Maxquda) انجام شده است.

جدول ۴: سیمای کلی مشارکت‌کننده‌ها

Table 4: General Appearance of the Participants

نام	جنس	سن	تحصیلات	شغل	تأهل
Name	Gender	Age	Education	job	Marriage
مهرزاد	مرد	40	دکتری تخصصی	دندانپزشک	متأهل
علی اکبر	مرد	50	کارشناسی ارتباطات	راننده دانشگاه	متأهل
پریا	زن	43	ارشد تربیت بدنی	مربی باشگاه ورزشی	متأهل
حمیدرضا	مرد	54	کارشناسی روابط عمومی	مسئول فرهنگی	متأهل
مهران	مرد	32	ارشد مکانیک	شرکت نفت عسلویه	متأهل
حسین	مرد	45	دیپلم	کارمند بانک مسکن	متأهل
اعظم	زن	34	دانشجوی ارشد	خانه‌دار	متأهل
مهتاب	زن	33	کارشناسی هنر	جوهرساز، سنگ‌تراش	مجرد
فهیمه	زن	30	کارشناسی ریاضی	کارمند بخش خصوصی	مجرد
علی	مرد	55	دیپلم	بازنشسته	متأهل
سمانه	زن	40	کارشناسی مطالعات خانواده	خبرنگار روزنامه	متأهل
مصطفی	مرد	50	کارشناسی علوم اجتماعی	کارمند صدا و سیما	متأهل
فرید	مرد	32	کارشناس ارشد علوم سیاسی	معلم، خبرنگار	متأهل
محبوبه	زن	37	کارشناس ارشد ارتباطات	کارمند روزنامه	مجرد
مرجان	زن	35	کارشناس ارشد جغرافیا	پژوهشگر و محقق	متأهل

^۱ purposeful samplin typical

^۲ لازم به ذکر است که در جدول ۴ به دلیل ملاحظات اخلاقی، اسامی مستعار مشارکت‌کنندگان ذکر گردیده است.

در گام روش کمی از رویه‌ی پیمایش (توصیف) مبتنی بر پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته بر اساس راهبرد نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه^۱ در سطح مناطق ۱۳ گانه‌ی شهرداری مشهد به صورت تصادفی ساده^۲ اطلاعات بر اساس بازه‌ی دامنه طیف لیکرت (۱ تا ۷)^۳ جمع‌آوری شده است. واحد تحلیل خانوارهای مناطق شهری و واحد مشاهده، شهروندان بالای ۱۸ سال^۴ بوده‌اند؛ که با توجه به هزینه‌ی اقتصاد پرسشنامه تعداد ۷۶۰ پرسشنامه برای تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد مطالعه قرار گرفته است. پرسشنامه مصاحبه‌ای محقق‌ساخته بعد از کسب روایی محتوایی^۵ با نظرخواهی از پژوهشگران برجسته و اساتید صاحب‌نظر و پایایی^۶ از طریق آلفای کرونباخ، مورد سنجش قرار گرفته است (Kerlinger, 1998:133). اعتبار نهایی سؤالات مربوطه برابر با (۰/۷۹۶) بدست آمده است. جدول ۵ به تفصیل اعتبار هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه می‌پردازد.

جدول ۵: اعتبار و روایی مؤلفه‌های پرسشنامه‌ی تحقیق

Table 5: Reliability & Validity of Research Questionnaire Components

مقدار آلفای کرونباخ		KMO	مؤلفه‌های شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاطبخشی
Cronbach's Alpha Value			
نهایی	ابتدایی		
Final	Primary		Components of Promoting Happiness Expression and Behavioral Practices
0/778	0/707	0/510	نمایشی کردن موقعیت رفتاری و بیانی (از مؤلفه‌های تیپ گرم)
0/700	0/673	0/406	شالوده‌شکنی موقعیت رفتاری و بیانی (از مؤلفه‌های تیپ گرم)
0/779	0/798	0/590	نفوذ اجتماعی (تأثیر بر دیگری) (از مؤلفه‌های تیپ گرم)

^۱ proportional of stratification sampling

^۲ sample random sampling

^۳ در این تحقیق میزان انجام هر یک از گویه‌ها به‌طور باز در اختیار پاسخگویان قرار گرفته که خودشان اطلاعات را بازگو نمایند و توسط پرسشگران ثبت دقیق شود؛ سپس در مرحله‌ی کدگذاری میزان سنجش گویا مبتنی بر طیف لیکرت بازه‌ی دامنه به صورت (۱- اصلاً، ۲- خیلی کم، ۳- کم، ۴- تا حدی کم، ۵- تا حدی زیاد، ۶- زیاد، ۷- خیلی زیاد) در ورود اطلاعات به نرم‌افزار و تجزیه و تحلیل صورت گرفته است.

^۴ علت انتخاب این بازه‌ی سنی نیز این بود که مطابق ماده‌ی ۱ تعریف یونسکو، در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند و فاقد مسئولیت‌پذیری و قانونمندی در نظر گرفته می‌شوند.

^۵ face validity

^۶ reliability

مقدار آلفای کرونباخ		KMO	مؤلفه‌های شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاطبخشی	
Cronbach's Alpha Value			Components of Promoting Happiness Expression and Behavioral Practices	
نهایی	ابتدایی			
Final	Primary			
0/849	0/811	0/534	تیپ گرم (شور و شغف)	
0/807	0/585	0/498	تیپ سرد (حس خوب)	
0/864	0/791	0/550	نشاط‌گیرندگی (حس آرامش)	
0/796	0/727	0/514	بار عاملی	شیوه‌ی بیانی و رفتاری نشاطبخشی
		4458/900	بارتلت	
		0/001	احتمال معناداری	

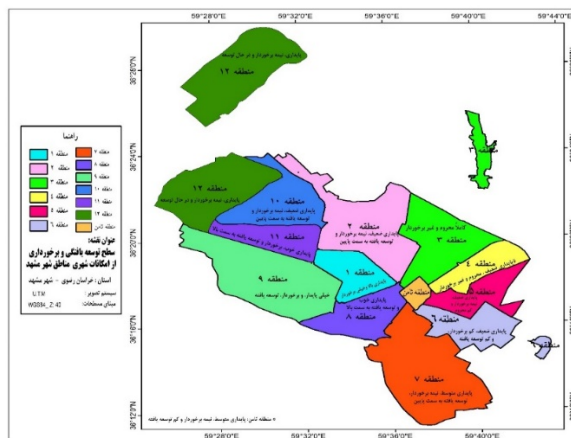
در گام سوم برای تحلیل فضایی یافته‌ها از تکنیک سیستم اطلاعات جغرافیایی^۱ از روش درون‌یابی نقطه به نقطه که مبتنی بر تخمین مدل‌های آماری است؛ و فرایندی است که طی آن می‌توان مقدار یک کمیت را در نقاطی با مختصات معلوم مشخص کرد (GhahroudiTali, 2002:97)، استفاده شده است. در این گام از نمونه‌گیری منطقه‌ای^۲ است، که بررسی شرایط زندگی در یک شهر یا یک پدیده در شهر را مبتنی بر واحدهای مسکونی، بلوک‌ها و مناطق شهری مورد نمونه قرار می‌دهد (Sarukhani, 1998:119). در این نمونه‌گیری بیشتر مطالعه‌ی پدیده و ویژگی‌های مکانی، نواحی جغرافیایی مورد تأکید است (Hafeznia, 2014:156). بر اساس رویه‌ی درون‌یابی نقطه‌ای به نرم‌افزار (GIS) انتقال یافته و تحلیل فضایی داده‌ها در قالب نقشه‌های مربوطه طراحی گردیده است.

قلمرو این پژوهش کلانشهر مشهد مرکز استان خراسان رضوی است. این شهر به‌عنوان دومین کلانشهر بزرگ کشور، کارکرد مذهبی - زیارتی دارد (Badri & Tayebi, 2012: 153). در حال حاضر این شهر دارای ۱۳ منطقه و ۱۷۱ محله دارد؛ بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ در سطح مناطق ۱۳ گانه‌ی شهری مشهد مناطق ۲، ۳ و ۱۰ شهری به ترتیب دارای بیشترین تراکم جمعیتی و مناطق ۸ و ۱۲ به ترتیب دارای کمترین تراکم جمعیتی است (Mashhad Municipality, 2018). در نهایت از آنجایی که در این تحقیق تحلیل فضایی در سطح مناطق شهری مشهد مورد نظر بوده است، و سطح برخورداری از امکانات در بین مناطق غرب (منطقه‌ی ۱، نواحی ۱ و ۴، منطقه‌ی ۲، نواحی ۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲) به نسبت مناطق شرق (نواحی ۳ و ۴ منطقه‌ی ۲، و مناطق ۳-۴-۵-۶-

¹ Geographic Information System (GIS)

² Zone Sampling

۷) وضعیت بهتری داشته است و منطقه‌ی ۹ شهری بهترین منطقه از نظر توسعه‌یافتگی و خدمات شهری است. لذا برای توصیف بهتر موقعیت توسعه‌ی شهری در سطح مناطق نقشه‌ی ذیل به صورت بصری به اجمال به تشریح توسعه‌یافتگی مناطق پرداخته است.



نقشه‌ی ۳: سطح توسعه‌یافتگی و برخورداری از امکانات شهری مناطق شهری مشهد

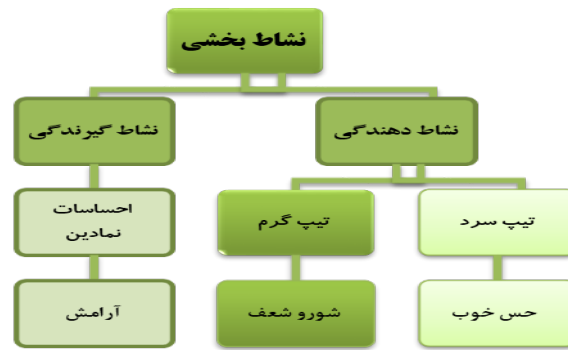
Map 3: Level of Development and Enjoyment of Urban Facilities in Urban Areas of Mashhad

یافته‌های پژوهش

در تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت‌کنندگان؛ افرادی که در همنشینی‌های اجتماعی (معمولاً در جمع‌های صمیمی و راحت صورت می‌گرفت) از طریق ابزارهای کلامی و غیر کلامی به تعاملات نشاط‌بخش می‌پرداخته‌اند.

با توجه به این هدف باید بیان کرد که نشاط‌بخشی برخی از مشارکت‌کنندگان از نوع شور و شغف همراه با خنده و قهقهه نشاط‌دهندگی از نوع تیپ گرم تعریف می‌شود و اگر نشاط این افراد به صورت حس خوب دادن به دیگری همراه بوده باشد، نشاط‌دهندگی از نوع تیپ سرد تعریف می‌گردد. در همین جمع‌های صمیمی به افرادی هم برخورد کردیم که عکس افراد نشاط‌دهنده بودند، یعنی دسته‌ای از افرادی بودند که بسیار ساکت و کم حرف بودند و در این جمع‌ها با حضور خودشان از دیگری آرامش و آسودگی خاطر^۱ کسب می‌کردند. نمودار زیر بیانگر این تیپ‌ها همراه با پیامدهای مثبت به تصویر کشیده شده است.

^۱ گذشته از آنکه چون رفتارهای انسان بسیار پیچیده است و نمی‌توان آن را بر روی قاعده‌ی خاصی آورد از این رو می‌توان گفت درجه‌ی بسیار ضعیفی از این دو دسته افراد گاهی در دو سر طیف جایجا می‌شوند.



نمودار ۲: ویژگی‌های طبقه‌بندی شده از یافته‌های کیفی نشاط‌بخشی

Figure 2: Classified Features of Qualitative Findings of Promoting Happiness

در سطور ذیل مقوله‌های محوری بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی مورد توصیف قرار گرفته است.

نشاط‌دهندگی از نوع تیپ گرم

افرادی در این سنخ (تیپ) قرار می‌گیرند، جمع‌های صمیمی را با شیوه‌های کلامی و غیر کلامی از طریق تعاملات نشاط‌بخش به سمت بروز رفتارهای هیجانی عاطفی مثبت و با نشاط سوق می‌دهند که بخشی از یافته‌های بدست آمده در سطور ذیل بیان شده است.

- نمایشی کردن موقعیت بیانی و رفتاری

از منظر جامعه‌شناسی Goffman نمایشنامه نوعی خلق، نگهداری و ابداع معانی است که فهم مشترکی از موقعیتی را برای افراد در جمع صمیمی می‌تواند ایجاد کند. واقعیتی هست که می‌تواند به وسیله‌ی مردم برای ارائه‌ی تصویری مشترک و واحد از واقعیت ایجاد کند (Kivisto, 2008). در این جمع‌ها بروز چنین شیوه‌هایی ممکن است به صورت دو الی سه نفره باشد که به نوعی گروه^۱ محسوب می‌شوند. به نظر دوچ و کراوس (Deutsch & Krauss, 1996) در گروه افرادی با هم رابطه دارند که صرفاً کنش و واکنشی را بدون داشتن ملاحظات ساختاری و سازمانی (جهت برخورداری از وضعیت شاد بودن در لحظه در جمع) ایجاد می‌کنند.

همان‌گونه که هر کدام افراد از ویژگی‌های خاص رفتاری برخوردار هستند و زبان نیز یکی از عناصر ادامه‌ی حیات می‌تواند محسوب شود، اما افرادی هستند که از رفتارها و

¹ Team

بیان‌های خاص نشاط‌بخش در بعضی موقعیت‌ها یا به‌عبارتی جمع‌های صمیمی و راحت به صورت خلاقانه استفاده می‌کنند به نحوی شاید بتوان گفت آن‌ها با این ترفند در صد تغییر روحیه‌ی این جمع‌ها می‌شوند:

حمیدرضا (۵۴ ساله)، از تغییر روحیه‌ی جمع با پر و بال دادن به موضوعی این‌گونه برای ما می‌گوید: "یعنی تو اون فضایی که همه واقعاً دمق بودن و رأی هم نیاورده بودیم، خُب ما این را سوژه پیدا کرده بودیم به‌عنوان یک سوژه به اصطلاح خنده پیدا کرده بودیم و این به قول معروف پرو بالش دادیم. باعث نشاط و شادی خیلی از بچه‌ها شد توی اون وضعیت و خیلی هم احساس خوبی داشتیم".

مهرزاد (۴۰ ساله)، نیز از نمایشی کردن داستان‌هایش برای ما تعریف می‌کند: "برای اینکه داستان‌پردازی کنم و از عنصرهای دراماتیک استفاده کنم. ناخودآگاه روش فکر نمی‌کنم. فی‌البداهه از عناصر دراماتیک را تو داستانم بوجود میارم که باعث میشه قضیه قشنگ بشه. به قول معروف شنیدنی و جذاب می‌شه. حتی بعضی از دوستان میگن که وقتی فیلمی را ما ندیدیم. اگر این فیلم را می‌خواد برید ببینید. از مهرزاد نپرسید. چون مهرزاد فیلم را از مزه می‌اندازه. فیلم را از خودش قشنگ‌تر تعریف می‌کنه".

- شالوده‌شکنی موقعیت بیانی و رفتاری

شیوه‌های نشاط‌بخش از طریق ابزارهایی می‌تواند در جلوی صحنه رخ دهد که فرد با نقش‌های رسمی و یا دارای اسلوب به ایفای نقش می‌پردازد؛ یا بخشی دیگر از این شیوه‌ها متعلق به پشت صحنه است، که افراد می‌توانند راحت باشند و به آن دسته از شیوه‌هایی بپردازند که در جلوی صحنه نمی‌توانند ابراز کنند ولی در پشت صحنه آزادانه ابراز می‌کنند. محتوای این شیوه‌ها می‌تواند فحاشی، حرف‌های بی‌پرده جنسی، غر زدن یک ریز و ... لباس غیر رسمی، نشستن و ایستادن لاقیدانه، بی‌حرمتی به مقدسات، استفاده از لهجه و گویش خاص، دست انداختن، ریشخند کردن و ... باشد (Goffman, Quoted by Giddens & Sutton, 2016: 422). بروز چنین ابزارهای از این شیوه‌ها در صحنه‌های نمایشی از زندگی روزمره علامت‌هایی هستند که در نوع تکلم، منش (وقار)، سن و حالات چهره و ... فرد نشاط‌بخش بروز می‌گردد. این نمایش ظاهری تا حدودی می‌تواند به صورت مجموعه‌ای از انتظارات جمع از فرد و توانمندی وی نهادینه گردد (Goffman, 2012).

با وجود اینکه در فرهنگ و جامعه‌ی ما هنجارها و رسوم و عرفی رایج است و هر شهروندی موظف است از این هنجارها پیروی کند و موافق عرف جامعه پیش رود اما بعضی افراد برای برقراری نشاط در جمع‌های صمیمی و راحت دست به شکستن ساختارهای

حاکم بر آن جمع می‌زند این ساختارشکنی بصورت تعریف جوک و خاطره و ... غیر مرسوم در فرهنگ ماست (Iman & Moradi, 2011).

حسین (۴۵ ساله)، از شکستن هنجارهای رفتاری در دوران سربازیش تعریف می‌کند: "بین ما توی خوابگاه. ساعت ۹ خاموشی بود. ۹ که خاموشی می‌زدن و وینگ و وینگ من بالا می‌رفت. تا من از آسایشگاه بیرون می‌کردن تو سرما. می‌شوندن دم در می‌گفتن غلط کردی که سر و صدا کردی. بعد به واسطه‌ی من همه را بیدار می‌کردن. چون اونجا تنبیه همه و تشویق یکی بود. بعد وقتی می‌آمدن من را بیدار می‌کردن همه من را می‌زدن. بعد من از زدنم که اون‌ها خوشحال می‌شدن من هم خوشحال می‌شدم".

پریا (۴۳ ساله)، از تعریف جوکی که چندان جامعه آن را نمی‌پسندد در میان جمع صمیمی خود این‌گونه می‌گوید که: "یه خاطره تعریف کردم، حرفی پیش اومده بود تو عطاری، خاطره‌ی زالو، سکسی بود، برای یه جمع خودمونی تعریف کردم، کلی خندیدند و به این رسیدم که مسائلی که مربوط میشه به مسائل جنسی این قدر برای اون جمع جذابیت داره که وقتی یه مسأله پیش پا افتاده عنوان میشه اینقدر براشون جذابه که همخوانی می‌کنند یکی دو تا هم اضافه می‌کنند و می‌خندند، البته تو جمع‌های بین ۳۰ تا ۴۰ سال می‌گفتم".

- نفوذ اجتماعی به عنوان شیوه‌ای بیانی و رفتاری

نفوذ اجتماعی از طریق تغییر نگرش، کاربرد قدرت، دستورات مستقیم، تقاضا کردن و نظایر آن‌ها انجام می‌شود و شدت آن در همه‌ی افراد یکسان نیست. مثلاً تغییر نگرش، یک نمونه از نفوذ اجتماعی است که عمدتاً بر ادراک کلامی مبتنی است و بسیاری از افراد از این شیوه استفاده می‌کنند تا فرد مقابل را به پذیرش نظر خود وادار سازند (Forgas, 1994:312). از این‌رو افراد نشاط‌دهنده در جمع‌ها بر اساس تثبیت موقعیتی که توانسته‌اند برای خود ایجاد کنند، می‌توانند از قدرت و دستورات مستقیم خود جهت هر گونه تغییر نگرش جمعی و یا فردی بهره ببرند، این تغییر ناشی از شیوه‌های گفتاری در این تحقیق است.

علی (۵۵ ساله)، از تأثیر بیانی خود در جمع کوه برای ما حرف می‌زند: "تو جمع که قرار می‌گیرم میگم بترکونید دست بزنید. تو کولاک و برف دماوند صد نفر آدم را بردم رفتیم تا یه مقطع آبشار بچه‌ها همه نالون و درب و داغون آمدن توی بارگاه سوم گفتم بچه‌ها بیان دوروبرم وایسین و دوست دارم سه ساعت فقط بترکونید بعد خودم هم آمدم". علی در رابطه با نفوذ در بین دوستانی که به کوهنوردی بصورت دسته جمعی می‌رود در مورد اینکه فضای صمیمی را بتواند تحت اختیار خود به‌عنوان سرپرست گروه در آورد این-

گونه بیان می‌کند: "گفتم آقای راننده بریم بابا یه موسیقی شاد هم بذار بترکون. یعنی اینطوری شروع شده دیگه همه منفجر بودن دقیقاً یه همچین حالتی شکل گرفت".

نشاط‌دهندگی از نوع تیپ سرد

به شیوه‌های رفتاری اطلاق می‌گردد که از سوی فرد ابراز می‌گردد تا به بهبود وضعیت دیگری و حمایت از وی بپردازد. به عبارت دیگر شیوه‌های مثبتی همچون همدلی، همراهی احساس و وظیفه نسبت به دیگری، دیگرخواهی، نوع دوستی و ... اطلاق می‌شود که برای خود و دیگری حس خوب و شادی را بوجود می‌آورد.

- نوع دوستی و تعهد اجتماعی

علی اکبر (۵۰ ساله)، از دادن وام خود به همکار که بیشتر نیاز دارد، نشاط سرد خود را آشکار می‌سازد: "همین همکارمان که برای ما چایی آورد گفت که می‌خوام دخترم عروس کنم ما یک وامی با ما افتاد گفتم چشم ما بهت میدم برو دخترت را عروس کن و بهش دادم".

مصطفی (۵۰ ساله)، با اینکه در مجالس، شور و شغف و بگو و بخند راه می‌اندازد یا به اصطلاح نشاط گرم به مجالس می‌آورد، اما از احساس وظیفه‌اش به هموعان خود با راه‌اندازی خیریه برای کمک به نیازهای ضروری محرومان، که همان نشاط سرد نام‌گذاری شده است نیز دریغ نمی‌کند، او این چنین می‌گوید: "زینب زنگ زد و آدرس گرفتیم ته قلعه ساختمون ما رفتیم این خونه را ببینم که توی این خونه خانوم جوون بیست و سه چهار ساله بلوچی بود دوتا بچه داشت. دیدم این خونه لوله‌کشی آب نداره در توالت یه پرده پارچه‌ای تیکه تیکه زده شده. کسی که می‌خواد بره توالت دبه آب باید بریزه تو آفتابه استفاده کنه. بعد تو خونه هم نه سینک دستشویی نه هیچ چیزی دیگه بود و تابستون بود و گرم، مادر نشسته بود بچه‌هاش را باد می‌زد که مگس‌ها بذارن بچه‌هاش بخوابن. معذرت می‌خوام این حرف میزنم طویله پیش این خونه پادشاهی می‌کرد هر وقت من رد می‌شدم و سرم به پارچه در خونه این‌ها می‌خورد دوش می‌گرفتم. اتفاقی که افتاد یه گروه فامیلی راه‌اندازی کردیم به نام مهر خوبان اومدیم به این خانوم رسیدگی کردیم از اولین حقوق زندگی این خانواده بی‌بهره بودن".

در این رابطه فهیمه (۳۰ ساله)، این‌گونه انتقال آرامش و آسودگی خاطر را به دوستانش توضیح می‌دهد: "مثلاً بگم اون نارنجک (نون خامه‌ای) مال من خیلی قبول نمی‌کنن و می‌خورن ولی من نمی‌تونم از گلوم پایین نمی‌ره به طرف شیرینی را می‌دم. از خودم خیلی مایه می‌ذارم بعدش که طرف مقابلم خوشحال بشه. خیلی وقت‌ها شده به

خودم سختی می‌دم که طرف مقابلم خوشحال بشه اون بچه به این چیزها دلش خوش باشه. مهربونم هستم ولی در عین حال بی‌غم هستم".

نشاط‌گیرندگی (دریافت نشاط)

افرادی در این دسته قرار می‌گیرند که با مشارکت و حضور خود در جمع‌های صمیمی به‌طور کل بیشتر شنونده هستند و تحرک کمتری دارند و از جمع و محفل مورد پسند خود، همدل بودن، آرامش، حس خوب، دریافت می‌کنند بخشی از یافته‌های بدست آمده در سطور ذیل بیان شده است.

- درون‌نگری همدلانه طرفین

فرد در جمع صمیمی برای فهم دیگری از روش همدلانه^۱ استفاده می‌کند، در جمع‌های صمیمی افراد ممکن است از طریق "درک دیگری، گوش شنوا داشتن، همدلی کردن، فهم دیگری و ..." بتوانند ساعت‌ها با هم در جمع صحبت کنند و به طرف مقابل حس خوب یا آرامش دهند و یا کسب کنند.

سمانه (۴۰ ساله)، هم خودش را جای دوستش می‌گذارد و با شنیدن حرف‌هایش و تأیید آن‌ها از طریق سر تکان دادن و حق دادن به او می‌تواند از این طریق موقعیت اجتماعی او را درک کند که: "من فقط به حرف‌های اون گوش می‌کنم. وقتی گوش می‌کنم می‌گم آخ این حرف‌هایی که گفتی ناراحت‌کننده هست. وای چقدر این تجربه‌ی بدی هست که تو داری می‌گی. من در همین حد می‌تونم باهات همراه باشم. دیگه بیشتر از این بلد نیستم. خودش هم می‌دونه. می‌گم فرزانه چقدر این اتفاقی که برات افتاد تلخ و ناراحت‌کننده است. شاید یکی از این همدردی‌هاش این باشه که من حرف‌هاش گوش می‌کنم. راه حلی براش ندارم".

محبوبه (۳۷ ساله)، هم این‌گونه می‌گوید که: "بعضی از مواقع این صحبت‌ها حالت تمسخر و مسخره‌بازی داشته؛ و وقت گذرونی هم تو سفر بوده. و یه قسمت‌هایی اش جنبه درد دل پیدا می‌کنه. از اینکه یه سری حرف‌هاش را به یه نفر بزنم آرامش پیدا می‌کنم".

- انرژی عاطفی (احساسی)

سطح بادوامی از اشتیاق (تشویق) که از طریق ارتباطات متقابل، رویارویی‌های اجتماعی و حضور مشارکتی موفقیت‌آمیز در نتیجه اجرای مناسک و رویه‌های تعاملی افراد

^۱ Sympathetic Understanding

کسب می‌کنند و به نوعی افراد از تمایلات قدرت، اشتیاق و پیوستگی اجتماعی خود با دیگران بهره می‌برند انرژی احساسی تعریف می‌شود (Collins, 1990).

در این رابطه یکی از پاسخگویان مه‌ران (۳۴ ساله)، بیان می‌کند که تشویق مداوم یکی از دوستانش باعث شده انرژی بگیرد و با انگیزه‌ی بیشتری ادامه دهد: "من با آقای ... که صحبت می‌کنم همش شروع می‌کنه من را به تشویق کردن. من هم از اون انرژی می‌گیرم. اون همش می‌گه مه‌ران راه تو درسته. شاید خیلی‌ها بخوان میون بر بزنن ولی تو داری مسیر درست را میری. ما هم این مسیر رو رفتیم".

مرجان (۳۵ ساله)، هم می‌گوید که: "مقایسه کنم با بقیه اینقدر شر و شلوغ نیستیم ولی خیلی حس خوبی دارم، انرژی می‌گیرم، از این عروسی‌ها و بزنی و برقص‌ها". محبوبه (۳۷ ساله)، هم این‌طور بیان می‌کند که: "ببینید گفتم شادی من ریزه ریزه هست همین‌هاست که گفتم. ببینید وقتی تو یه اتوبوس من جام را میدم به یه پیرزنی برام شادی آور هست. وقتی ببینم یه بچه‌ای گم شده و اون را برسونم به مامانش همین واسه من شادی آور هست. اینها اون چیزهایی هستند که من از شون انرژی می‌گیرم و یه احساس رضایت از خود دارم و اینکه خیلی بی‌مصرف نیستم. همین به من احساس رضایت و شادی را می‌دهد".

- کاهش تنش

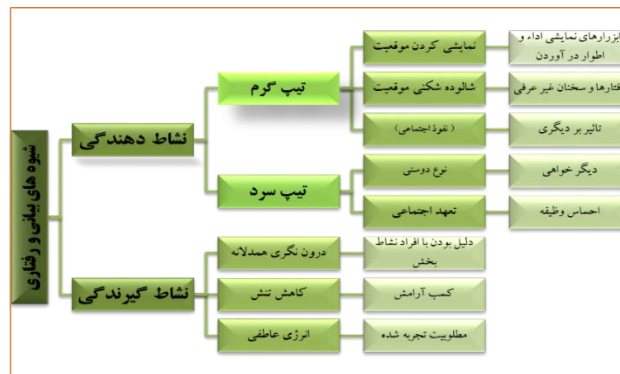
ممکن است فرد در این محافل با توجه به فشارهای عمومی و اجتماعی که در جامعه وجود دارد با استفاده از این شیوه‌ها خواسته باشد نقابی اجتماعی بر موقعیت‌های نقشی خود در زندگی روزمره ایجاد کند؛ این نقاب اجتماعی می‌تواند به نوعی فاصله‌ی نقش هم باشد که به میزان جدایی فرد از نقشش در زندگی روزمره اشاره می‌کند (Ritzer, 2014:509).

سمانه (۴۰ ساله)، هم به گونه‌ای وقتی در کنار آدم‌های مورد قبولش قرار می‌گیرد، تنش‌ها و استرس‌های روزمره‌اش کمتر می‌شود و به قول خودش آرام می‌شود: "من از بودن توی اون جمع و حضور توی اون جمع احساس رضایت می‌کنم و آرامش دارم. من تو جمع‌ها به سمت آدم‌هایی می‌رم که ساکت هستن و آروم هستن، چون اون طرف از حد تعادلش خارج می‌شه، آروم هستن. کار به کار دیگران ندارن معمولاً، دیگران را خیلی اذیت نمی‌کنن، باعث ناراحتی دیگران نمی‌شن".

مرجان (۳۵ ساله)، هم می‌گوید: "فکر می‌کنم به هر حال شب قبلش همچی اتفاقی می‌فته و دور هم هستیم خوش می‌گذره باعث می‌شه که ذهنت از نظر کاری و فکری تخلیه بشه و برای روز بعدش انرژی بیشتری داری. تا اینکه شب قبلش تو یه جمعی بودی

که با هم دعوا کردن آره پیش میاد دیگه تو یه خانواده دو تا خواهر و بردار باهم دعوا کنن. یا موضوعی پیش اومده که جر و بحث بوجود آمده به هر حال وقتی بیدار بشی ممکن فکر کنی و اون اثر بذاره".

افراد در همنشینی‌های اجتماعی باید به شور و شغف، حس خوب (نشاط‌دهندگی) به پردازند؛ و یا در این جمع‌های صمیمی در موقعیت نشاط‌گیرندگی از دیگری آرامش و آسودگی خاطر کسب کنند؛ بنابراین نشاط‌بخشی نوعی رفتارهای تعامل نمادین بخش است که ناشی از تعامل با دیگری بوجود می‌یاد و یا از دیگری کسب می‌گردد.



نمودار ۳: تیپولوژی شیوه‌های رفتاری و بیانی نشاط‌بخشی

Figure 3: Typology of Behavioral and Expressive Behaviors Promoting Happiness

با توجه به یافته‌های جمعیتی جامعه‌ی مورد مطالعه در گام زنان این تحقیق به نسبت مردان بیشتر بوده است، بیش از نیمی از پاسخگویان در گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار داشته‌اند. در حدود $\frac{4}{5}$ افراد متأهل بوده‌اند بیش از $\frac{2}{3}$ پاسخگویان دارای تحصیلات غیر دانشگاهی بوده‌اند. اکثر خانم‌ها خانه‌دار بوده‌اند و سایر افراد شاغل (مردان) هم بیشتر شغل خود را آزاد عنوان کرده‌اند، میانگین درآمد هزینه‌های خانوار در ماه برابر با یک میلیون پانصد و بیست پنج هزار و دویست هشتاد و شش تومان بدست آمده است.^۱

سؤالات پرسشنامه محقق ساخته که از بخش مقوله‌های کیفی بدست آمده است معطوف به میانگین شاخص شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاط‌بخش می‌باشد. جدول ۶ به اختصار این میانگین‌ها در سطح مناطق شهری را بیان می‌کند.

^۱ با توجه به اینکه حجم یافته‌های روش ترکیبی در هر گام بسیار زیاد بوده است. در بخش کمی برای بررسی سیمای پاسخگویان تنها به صورت توصیفی به مهم‌ترین مشخصات جمعیتی جامعه‌ی مورد مطالعه اکتفاء شده است.

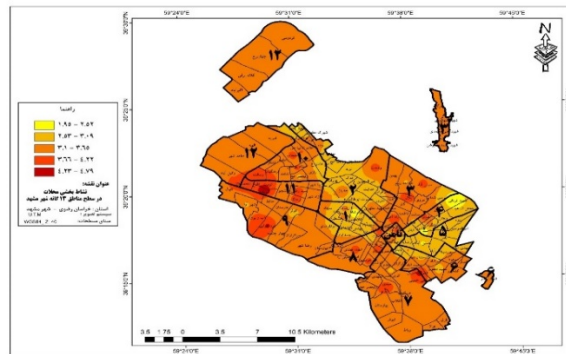
جدول ۶: میانگین شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاط‌بخشی

Table 6: Mean of Promoting Happiness Expression and Behavioral Techniques

مناطق شهرداری	نمایشی کردن	شالوده شکنی	تأثیر بر دیگری (نفوذ اجتماعی)	تیپ گرم (شور و شغف)	تیپ سرد (حس خوب)	نشاط گیرندگی	نشاط بخشی
Municipal Areas	Dramatization	Deconstruction	Social Influence	Hot Type (Enthusiasm)	Cold Type (Good Feeling)	Liveliness	Promoting Happiness
منطقه ۱	2/50	1/94	2/42	2/28	3/58	3/34	2/79
منطقه ۲	2/44	2/14	2/49	2/34	4/20	3/95	3/12
منطقه ۳	2/44	2/62	3/77	2/95	5/22	3/24	3/73
منطقه ۴	2/37	1/70	2/29	2/16	3/74	3/34	2/75
منطقه ۵	2/17	2/20	2/15	2/18	3/83	3/49	2/80
منطقه ۶	2/26	2/08	3/73	2/73	4/90	4/02	3/46
منطقه ۷	2/21	2/37	3/77	2/79	5/26	4/06	3/58
منطقه ۸	2/71	2/41	3/54	2/87	5/29	3/94	3/60
منطقه ۹	3/10	2/96	3/26	3/05	3/87	4/22	3/53
منطقه ۱۰	2/48	2/54	4	3/97	5/66	4/69	3/97
منطقه ۱۱	2/54	2/26	4/13	2/99	5/48	4/56	3/90
منطقه ۱۲	2/30	2/44	3/79	2/87	5/14	4/44	3/74
منطقه نامن	2/13	2/61	3/12	2/56	4/79	4/33	3/46
مشهد	2/43	2/33	3/19	2/67	4/69	4/05	3/42

با توجه به یافته‌های جدول باید بیان کرد که تیپ سرد با برقراری تعاملات مثبت در بین جمع‌های صمیمی با پیامد حس خوب به دیگری همراه است، و با مفاهیمی همچون همدلی کردن، همراهی کردن، مشورت کردن و ... در جمع‌های صمیمی معرفی می‌شود که به نسبت دیگر مقوله‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است. در کنار این شاخص، پاسخگویان در همنشینی‌های اجتماعی خود که بیشتر در مقام ناظر قرار گرفته‌اند به‌عنوان نشاط گیرندگی در درجه‌ی بعدی قرار دارند و تمایل دارند در جهت کسب آرامش، کاهش تنش‌های روزمره و همدلی کردن با نظراتشان از دیگران آرامش و آسودگی خاطر کسب کنند. تیپ گرم با مقوله‌هایی همچون نمایشی کردن، شالوده‌شکنی و تأثیر بر دیگری در بین پاسخگویان مناطق مختلف شهری کمتر مورد استقبال قرار گرفته است. در مجموع میزان تعاملات نشاط‌بخشی مناطق به ترتیب حائز اهمیت شامل مناطق (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۳،

۸، ۷، ۹، ۶، ثامن، ۲، ۵، ۱ و ۴) بوده است، نقشه‌ی ذیل بیانگر موقعیت فضایی توزیع داده‌های نشاط‌بخشی در سطح مناطق و محله‌های شهری است.



نقشه ۴: تعاملات نشاط‌بخشی در سطح مناطق و محلات شهری مشهد

Map 4: Promoting Happiness Interactions in the Urban Areas and Neighborhoods of Mashhad

با توجه به نقشه‌ی فوق توزیع فضایی داده‌های نشاط‌بخشی به ترتیب در محله‌ی گوهرشاد (منطقه‌ی ۱)، محله‌های شهید قربانی - گلشهر (منطقه‌ی ۴)، حسین‌آباد (منطقه‌ی ۵) به نسبت دیگر محله‌های در سطح پایینی قرار دارد. در منطقه‌ی ۱ محله‌های (راهنمایی و کلاهدوز)، منطقه‌ی ۲ محله‌های (ابوطالب، حجت، فدک و بهاران)، منطقه‌ی ۴ محله‌های (پنج تن آل عبا - گلشهر) منطقه‌ی ۵ (کوی امیرالمؤمنین، ثامن، حسین‌آباد و نیزه)، منطقه‌ی ۶ محله (شهید معقول) از موقعیت نشاط‌دهندگی در سطح متوسط رو به پایین بهره می‌برند. مناطق ۳ بخشی از ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ در حد متوسط در جمع‌های صمیمانه استفاده می‌کنند. در محله‌های وحدت (منطقه‌ی ۲)، محله‌ی بلال (منطقه‌ی ۳)، محله‌ی نوغان (منطقه‌ی ثامن)، محله‌ی حجاب (منطقه‌ی ۱۰) در حد بالایی و در محله‌های شهرک شیرین واقع در منطقه‌ی ۶ شهر مشهد، محله‌ی شریف منطقه‌ی ۱۱، محله‌ی نیرو هوایی واقع در منطقه‌ی ۹ شهری از نشاط‌دهندگی در حد بسیار بالایی جهت ایجاد شور و شغف و دادن، حس خوب و آرامش به دیگری استفاده می‌کنند.

با توجه به یافته‌های بدست آمده از میانگین شیوه‌های بیانی و رفتاری در سطح مناطق خوشه‌بندی وضعیت نشاط‌بخشی در راستای مبادله‌ی عواطف و بیان احساسات مثبت در جمع صمیمی مورد مطالعه قرار گرفته است. خوشه‌بندی فوق به محقق این امکان را می‌دهد تا بر مبنای همگنی موجود در بین موارد یا موضوعات مورد مطالعه، آن‌ها را به شیوه‌ای مناسب طبقه‌بندی کند و سپس مورد تفسیر و تبیین قرار دهد (Kalantari,)

2008:329). با توجه به آنچه که توضیح داده شد در حوزه‌ی برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی جدول ذیل بیانگر دقت ضریب فاصله جهت تعیین خوشه‌ها در سطح مناطق را نشان می‌دهد.

جدول ۷: ترکیب خوشه‌بندی تیپ‌های نشاطبخشی در سطح مناطق شهری

Table 7: Clustering of Promoting Happiness Types in Urban Areas

Next Stage	Stage Cluster First Appears		Coefficients ضریب فاصله	Cluster Combined		Stage
	Cluster 2	Cluster 1		Cluster 1	Cluster 2	
1	10	11	1/078	0	0	6
2	7	12	1/089	0	0	4
3	1	4	1/171	0	0	8
4	6	7	1/385	0	2	5
5	6	14	1/924	4	0	6
6	6	10	2/471	5	1	7
7	6	13	2/827	6	0	9
8	1	5	3/023	3	0	10
9	6	8	3/518	7	0	11
10	1	2	3/689	8	0	12
11	3	6	4/163	0	9	12
12	1	3	4/751	10	11	13
13	1	9	10/549	12	0	0

جدول ۷ نشان می‌دهد که چگونه مناطق شهری در هر مرحله از تحلیل سلسله مراتب خوشه‌بندی در همدیگر ادغام شده‌اند. در جدول بالا ستون ضریب فاصله، میزان فاصله بین دو خوشه (مناطق) را که در همدیگر ادغام شده‌اند نشان می‌دهد بهترین مرحله برای خوشه‌بندی بین مرحله‌ی ۱۲ و ۱۳ است پس مرحله‌ی ۱۲ می‌تواند بهترین مرحله برای توقف خوشه‌بندی باشد. بنابراین از مرحله‌ی توقف به پایین که شامل دو مرحله است بهترین خوشه‌بندی را برای متغیر مورد مطالعه می‌توان انجام داد. جدول ۸ نحوه‌ی عضویت خوشه‌بندی و فاصله‌ی هر منطقه را در خوشه‌ی مورد نظر به اجمال توضیح می‌دهد.

جدول ۸: عضویت مناطق شهری در بین خوشه‌ها

Table 8: Membership of Urban Areas among Clusters

فاصله	خوشه	منطقه شهرداری	فاصله	خوشه	منطقه شهرداری
<i>Distance</i>	<i>Cluster</i>	<i>Municipal Areas</i>	<i>Distance</i>	<i>Cluster</i>	<i>Municipal areas</i>
0/668	1	2	0/370	1	1
0/399	1	4	0/975	2	3
0/539	2	6	0/365	1	5
0/441	2	8	0/395	2	7
1/013	2	10	1/485	2	9
0/399	2	12	0/896	2	11
منطقه شهرداری: 13 خوشه (Cluster): 2 فاصله (Distance): 0/822					

بر اساس نتایج جدول ۸ در خوشه‌ی اول منطقه‌ی ۲ مشهود که بیشترین تمرکز جمعیتی بر اساس سرشماری سال ۹۵ دارد و ۱۶ درصد از کل محله‌های شهری را شامل می‌شود از نظر شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاطبخشی و تیپ‌های آن به نسبت دیگر مناطق این خوشه (۴، ۱ و ۵) بالاتر است؛ در حالی که منطقه‌ی ۵ شهری در شرق مشهد قرار دارد و از وضعیت حاشیه‌نشینی برخوردار است در راستای بیان شیوه‌های نشاطبخشی و تیپ‌های آن در سطح خوشه‌ی اول به نسبت دیگر مناطق فاصله‌ی بیشتری دارد، به این معنا که کمتر از تعاملات نشاطبخشی برخوردار است؛ و باید بیشتر مورد برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد.

در خوشه‌ی دوم بر اساس نتایج جدول منطقه‌ی ۹ شهری با توجه به اینکه از نظر وضعیت برخورداری از امکانات شهری و خدمات در سطح پایداری قوی برخوردار است و دارای ۱۶ محله‌ی شهری است و در حدود ۱۰ درصد از محله‌های شهری را این منطقه در جنوب شهر تحت پوشش قرار می‌دهد؛ در راستای شیوه‌های نشاطبخشی در سطح خوشه‌ی مذکور بالاترین فاصله را نسبت دیگر مناطق این خوشه داشته است، به این معنا که بیشترین نشاطبخشی را شهروندان این منطقه در هم نشینی‌های صمیمی خود استفاده می‌کنند. در همین خوشه منطقه‌ی ۷ شهری که جزء مناطق کمتر توسعه‌یافته‌ی شهری است و دارای ۱۹ محله بوده است، در حدود ۱۲ درصد از محله‌های شهری مشهد را تحت پوشش قرار می‌دهد. از نظر شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاطبخشی و تیپ‌های آن به نسبت دیگر مناطق این خوشه فاصله‌ی کمتری این منطقه دارد، به این معنا که در این خوشه شهروندان منطقه در تعاملات نشاطبخشی ضعیف هستند، لذا باید از سوی کارشناسان جهت کم‌رنگ کردن این ضعف برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی صورت گیرد.

در راستای خوشه‌بندی متغیر نشاطبخشی در جمع‌های صمیمی مبتنی بر تعاملات نمادین عاطفی و بیان احساسات جدول ذیل وضعیت میانگین هر مؤلفه را در سطح خوشه‌ها نشان داده است.

جدول ۹: خوشه‌بندی تیپولوژی شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاطبخشی در سطح مناطق شهری مشهد

Table 9: Typology Clustering Of Expression and Behavioral Methods of Promoting Happiness in Urban Areas of Mashhad

خوشه دوم	خوشه اول	نوع ابراز شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاطبخشی	مفاهیم سنخ‌بندی تعاملات نشاطبخشی
منطقه شهری ۳-۶-۷-۸-۹-۱۰- ۱۱-۱۲-ثامن	منطقه شهری ۱-۲-۴-۵		
<i>The Second Cluster</i>	<i>The First Cluster</i>	<i>The Type Of Expression and Promoting Happiness Behaviors</i>	<i>Conceptualization Concepts of Promoting Happiness Interactions</i>
<i>Urban Area 3-6-7-8-9-10-11-12-Samen</i>	<i>Urban Area 1-2-4-5</i>		
2/46	2/37	نمایشی کردن موقعیت	نشاط‌دهندگی
2/46	2	شالوده‌شکنی موقعیت	
3/63	2/34	نفوذ اجتماعی	
2/85	2/24	تیپ گرم (شور و شعف)	
5/03	3/84	تیپ سرد (حس خوب)	
4/16	3/53	درون‌نگری همدلانه، کسب انرژی عاطفی و کاهش تنش	نشاط‌گیرندگی
3/64	2/87	نشاط‌دهندگی + نشاط‌گیرندگی	تعاملات نشاطبخشی

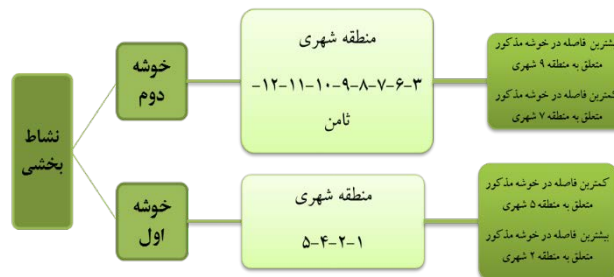
با توجه به نتایج پژوهش باید بیان کرد که وضعیت شیوه‌های بیانی و رفتاری نشاطبخشی سنخ یا تیپ گرم چون نمایشی کردن و شالوده‌شکنی در سطح مناطق شهری با توجه به بازه‌ی دامنه‌ی طیف لیکرت (۱ تا ۷)؛ در این پژوهش پایین است و کمتر مورد استقبال قرار گرفته است. مقوله‌ی نفوذ اجتماعی (تأثیر بر دیگری) در هم‌نشینی‌های اجتماعی در سطح مناطق خوشه‌ی اول کمتر از میانگین (۳/۵) بدست آمده است و در سطح پایینی قرار دارد در حالی که در خوشه‌ی دوم این مقوله متوسط رو به بالا بوده است. در مجموع میانگین نشاط‌دهندگی تیپ گرم، پایین‌ترین میانگین در سطح خوشه بوده و از استقبال پایینی در سطح مناطق برخوردار بوده است. نشاط‌دهندگی تیپ سرد در بین خوشه‌ها از وضعیت متوسط رو به بالا و شرایط بالایی برخوردار است.

✓ مقوله‌های نشاط‌دهندگی که شامل تیپ سرد و گرم در این تحقیق می‌باشد در خوشه‌ی اول کمتر از میانگین است و در سطح پایین قرار دارد در حالی که در خوشه‌ی دوم تا حدی متوسط رو به پایین است.

✓ مقوله‌های نشاط‌گیرندگی در سطح دو خوشه‌ی مذکور در حد متوسط و متوسط رو به بالا قرار دارد.

✓ و در نهایت وضعیت نشاطبخشی در سطح مناطق شهری مشهد با توجه به دو خوشه یاد شده در خوشه‌ی اول کمتر از میانگین (۳/۵) بوده و در سطح پایین در مناطق شهری ۱-۲-۴-۵ قرار دارد و در خوشه‌ی دوم نشاطبخشی که تقریباً ۷۰ درصد از محله‌های شهر مشهد را تشکیل می‌دهد از وضعیت میانگین متوسط رو به بالایی برخوردار است.

نمودار ذیل به اختصار موقعیت خوشه‌بندی نشاطبخشی مبتنی بر شیوه‌های بیانی و رفتاری را به همراه بیشترین و کمترین فواصل هر منطقه در خوشه را نشان می‌دهد.



شکل ۲: خوشه‌بندی نشاطبخشی در سطح مناطق شهری مشهد

Figure 2: Promoting Happiness Clustering in Urban Areas of Mashhad

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش مبتنی بر رویکرد جامعه‌شناسی نمایشی، باید بیان گفت که افراد در دوره‌های ما که به مثابه بازیگران اجتماعی نقش ایفاء می‌کنند، این نقش به‌عنوان فردی نشاط‌دهنده و فردی نشاط‌گیرنده؛ در نظر گرفته می‌شود.

این افراد در چنین محافلی سعی می‌کنند از شیوه‌های متنوع (بیانی و رفتاری) طوری بهره‌برداری کنند که بتوانند نقشی را به جهان اجتماعی (دیگران) منتقل کنند، لذا در تمام مدت، بازی نشاطبخشی‌شان در این جمع‌ها از گفتگو، اشاره‌ها، حرکات، رعایت عرف و دیگر مناسک استفاده می‌کنند تا واقعیت جدیدی را برای حضار (دیگران در جمع صمیمی) ترتیب دهند که مورد توجه باشد این واقعیت جدید بصورت شور و شغف پیدا کردن جمع

(حضار)، آسودگی خاطر و آرامش جمع ظاهر می‌شود که بروز چنین شیوهایی می‌تواند معطوف به توانمندی فرد باشد زیرا فرد در موقعیت خاصی از توانمندی‌های خود استفاده می‌کند تا دیگری را تحت تأثیر قرار دهد و از سویی دیگر افرادی نیز هستند که تحت تأثیر این توانمندی‌ها قرار می‌گیرند و در جهت کسب آرامش و آسودگی خاطر بهره‌ی کافی را می‌برند که این دریافت نشاط از طریق کسب انرژی عاطفی، درون‌نگری همدلانه و کاهش تنش صورت می‌پذیرد.

از منظری دیگر وجود تعاملات نشاطبخش ناشی از زنجیره‌های کنش متقابل آیینی همراه با یک لحن احساسی بادوام در جریان عادی تعاملات همنشینی از ثبات نسبی برخوردار می‌گردد. به نظر *Collinse* وجود چنین انرژی احساسی سطحی از اشتیاق، قدرت شخصی، معنایی از پیوستگی اجتماعی و یا تمایل به درگیر شدن در کنش متقابل را بوجود می‌آورد. چنین انرژی از طریق تجارب همبستگی مبتنی بر زنجیره‌های کنش متقابل آیینی و یا از طریق انتقال در کنش‌های متقابل سلسله مراتبی، شکل می‌گیرد (*Kianpour & Aqababae, 2017*)؛ بنابراین در این نوع کنش‌های متقابل صمیمی، افراد قدرتمند انرژی احساسی بیشتری بدست می‌آورند و افراد ضعیف‌تر انرژی احساسی خود را از دست می‌دهند، پس به نظر کالینز مردم جذب افراد کاریزماتیک می‌شوند و از کسانی که تعامل با آن‌ها مستلزم از دست دادن انرژی احساسی می‌شوند پرهیز می‌کنند (*Collinse, 1975*)؛ بنابراین باید بیان کرد که وجود تعاملات نشاطبخش نوعی انرژی احساسی همراه با واگیری احساسی^۱ تولید می‌کند. در تولید چنین انرژی موضع مبتنی بر سلسله مراتب قدرت هم مطرح است افرادی که این نوع انرژی را تولید می‌کنند در ساختار مبتنی بر قدرت اولیه در گروه‌های همنشین صمیمی ممکن است از مواضع بالایی برخوردار باشند و هر گونه ایجاد تغییر در گروه را با خود به همراه آورند. بر این اساس از موضع فرمانبری در این گروه‌ها افراد می‌توانند پایگاه اجتماعی خود را حفظ و تقویت کنند، در صورت فقدان تولید چنین انرژی فرد در گروه حاضر با احساساتی چون افسردگی، از خود بیگانگی، غریبه بودن و ... همراه خواهد شد، و ممکن است گروه را ترک کند و یا کنار زده شود.

از منظری دیگر افراد نشاطبخش در جمع‌های صمیمی می‌توانند جهت تأثیرگذاری و نفوذ بر گروه و با داشتن قدرت، به یارکشی بپردازند، و از طریق انتخاب یار محفل صمیمی را به شور و شغف وادارند، چنین قدرت انتخابی نوعی یارکشی است، قدرت انتخاب و نفوذ اجتماعی مسبوق به دانایی در درجه‌ی اول و توانایی در درجه‌ی دوم است؛ بنابراین لازمه‌ی بالا رفتن نفوذ اجتماعی، اولاً آگاهی از گزینه‌های مطلوب و راه‌های نیل بدان در گروه است؛

¹ emotional contagion

و ثانیاً توانایی در تمهید شرایط تحقق و کنار زدن موانع در گروه است که فرد باید به آن بپردازد (Shojaei Zand, 2011).

از سوی دیگر در تعاملات نشاطبخش تعداد محدودی از افراد نشاطدهنده، در جمعها که نشاط خود را به صورت شالوده‌شکنی بیان می‌کنند، از رفتارها و گفتارهای منفی و تابوشکن چون انجام حرکات و سکناات غیر عادی و لاقیدانه و حتی بیان جوکها و خاطرات غیر عرفی (بی‌ادبی) بهره می‌برند که می‌توان چنین رفتارهایی را به فقر فرهنگ نشاط سالم در جامعه هم ربط داد. ولی با توجه به نظر دریدا در بحث ساختارشکنی، هدف از شالوده شکنی واسازی و باژگون‌سازی سلسله مراتب است که به توان به چشم‌اندازهای ارزیابانه جدیدی دست یافت. پس شالوده‌شکنی ساختار به دنبال این است که فضای اجتماعی بازتری را برای بسط و تظاهر گسترده‌تر زندگی انسانی رقم زند و افراد و اشکال متفاوت‌تری را برتابد (Mohammadi Asle, 2009). بر این اساس وجود تعاملات نشاطبخش بر پایه‌ی شیوه‌های بیانی و رفتاری لاقیدانه در جمع‌های صمیمی می‌تواند نوعی امری مثبت جهت شاد بودن اجتماعی و حتی نفوذ بر جمع داشتن، و بسط گسترده‌گی (پذیرش) اجتماعی تلقی گردد.

با توجه به یافته‌ها و تفاسیر بیان شده با وجود اینکه این دوره‌های صمیمی منجر به بهبود روابط و نیز تقویت ارتباطات اجتماعی می‌شود با این وجود این ارتباطات از طریق پاداش و تقویت‌کننده‌هایی منجر به تداوم این جمع‌هایی می‌گردد، که مای جمعی را تقویت می‌کند؛ و کاهش فردگرایی را به همراه می‌آورد. با توجه به این نکته آزاد ارمکی بیان می‌کند که در این جمع‌ها نوعی خود، ناشی از کنش‌های اجتماعی در شرایط معین و خاص شکل می‌گیرد. این خود محصولی از کنش مشترک بین کنشگر و حضار است (Azad Armaki, 2014)

در همین ارتباط Turner نیز مطرح می‌کند که بر اساس این نوع کنش‌هاست که کنشگر سعی می‌کند با هر چه بهتر ایفاء کردن نقش خود هویت مورد نظر خود را تثبیت کرده و دیگران را وادار به پذیرش کند (Turner, 2003). به عبارت دیگر استمرار تعاملات نشاطبخش در جمع‌های صمیمی با تقویت هویت جمع و سرمایه‌ی اجتماعی همراه خواهد بود؛ و فرد در این دوره‌های دوستانه، نقش‌هایی در قبال دیگران بر عهده می‌گیرد و متعهد به انجام آن می‌شود؛ که به نظر صاحب‌نظران جامعه‌شناسی هر کدام از این موارد به نوعی کارکردهایی مؤثر در جهت تقویت و افزایش نشاط خواهد داشت در همین ارتباط به نظر کلمن همنشینی‌های اجتماعی موجب شکل‌گیری قبول ارزش‌های مشترک حاکم بر شبکه‌ی روابط صمیمی و افزایش تعاملات خودمانی با دیگران و انباشت سرمایه‌های اجتماعی می‌گردد (Colman, 1998).

از منظری دیگر باید بیان کرد که بهره‌مندی از چنین شیوه‌هایی باعث گسترش ارتباطات اجتماعی و به تبع آن شکل‌گیری جمع‌های صمیمی و راحت می‌شود. همچنان که به نظر آرگایل جزء اجتماعی شادی منوط به ارتباط با دیگران حاصل می‌گردد (Argyle, 2004)؛ و به معنای دیگر به نظر سلیگمن، شادی می‌تواند از طریق تعامل با دیگری و درگیر شدن، مشارکت دیگری و مجذوب قرار دادن یکدیگر نوعی ارتباط مفرح، شور و شغف و آرامش را ایجاد کند (Seligman, 2015).

حال اگر بخواهیم میزان این مقوله‌های کیفی به دست آمده را در سطح مناطق شهری مشهد مورد سنجش قرار دهیم، این‌گونه باید بیان کرد که نشاط‌بخشی در سطح مناطق شهری مشهد بر روی طیف متوسطی قرار دارد، که برخی از پاسخگویان در مناطق شهری در همنشینی‌های‌شان از نشاط‌دهندگی نوع تیپ گرم متوسط رو به پایین بهره می‌برند؛ به عبارت دیگر از تعاملات نشاط‌دهندگی تیپ گرم مشهودی‌ها کمتر استقبال می‌کنند و از مؤلفه‌های نشاط‌دهندگی تیپ سرد نیز در حد متوسط رو به پایین استقبال کرده‌اند و بخشی از پاسخگویان هم به نشاط‌گیرندگی‌شان بیشتر در این نوع تعاملات توجه می‌کنند؛ و از میزان متوسط رو به بالا برخوردار بوده‌اند. لذا با توجه به نتایج یاد شده، نکات زیر قابل توجه است:

- همان‌طور که Bandoura مطرح می‌کند افراد که در دوران کودکی و نوجوانی تحت تأثیر دیگران مهم مانند والدین و یا افراد مورد علاقه خود قرار می‌گیرند، بیشترین تأثیرگذاری را از آن‌ها دریافت می‌کنند (Kadivar, 2006)، از این‌رو با توجه به یافته‌های پژوهش چنین بر می‌آید که در فرآیند جامعه‌پذیری خانواده‌های مشهودی، مقوله‌های نشاط-گیرندگی مانند همدلی در مجالس، کسب انرژی عاطفی / احساسی به دلیل مشغله‌ها و گرفتاری‌ها بیشتر نمود پیدا کرده تا راهی برای کاهش تنش‌ها باشد.

- با توجه به آنکه اکثر پاسخگویان شهر مشهد از تیپ‌های نشاط‌بخش گرم به دلیل بروز رفتارهای پر شور و شغف و هیجانی که می‌تواند مورد نقد دیگران در همنشینی‌های اجتماعی قرار گیرد، استقبال نمی‌کنند و تمایل به این دارند که دیگری در این همنشینی‌ها به ابراز این رفتارهای نشاط‌بخش بپردازد؛ تا وی مورد نقد قرار گیرد به جای خودش.

- در چنین محافل صمیمی سعی بر این است که شهروندان مشهودی بیشتر سکوت نمایند و یا جنس رفتارهای‌شان را به سمت حس خوب، نوع‌دوستی، دیگرخواهی، کسب آرامش، درون‌نگری همدلانه، گوش شنوا داشتن، کاهش تنش‌ها سوق دهند تا بیشتر مورد قبول دیگری قرار گیرد و از این طریق بتوانند موقعیت و جایگاه خود را در نزد دیگران حفظ و تثبیت کنند تا مورد پذیرش واقعی در این همنشینی‌ها قرار گیرند. چرا که با توجه به ساختار فرهنگ مذهبی حاکم بر جو زندگی شهر مشهد که می‌تواند دیگر ساختارهای

اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و ... شهر را تحت تأثیر قرار داده باشد (Hayati, 2012)، تعاملات نشاطبخش از نوع گیرندگی بیشتر مورد استقبال قرار می‌گیرد.

- از منظری دیگر با توجه به نتایج باید این را هم بیان کرد که، وجود تعاملات مؤثری چون نوع دوستی، دیگرخواهی که بیشتر به تیپ سرد نشاط‌دهنده معطوف است؛ با ابراز رفتارهای همدلانه، آرامش‌بخش و کاهش تنش مورد استقبال از سوی شهروندان قرار گرفته است، که می‌تواند در راستای حمایت‌های اجتماعی منجر به کاهش استرس در دیگری شود که به نوعی تعلق داشتن، مورد پذیرش بودن و دوست داشتن و دوست داشته شدن دیگری را به همراه می‌آورد (Sam Aram, 2013). در واقع وجود این حمایت‌ها از طریق تعاملات اثربخش نشاط جمعی می‌تواند موجب خوب‌تر زندگی کردن و بهتر زیستن زندگی شود.

- در مناطق توسعه‌یافته‌ی شهری (مناطق ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸) به نسبت مناطق کمتر برخوردار از توسعه (۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲) مقوله‌ی نشاط‌دهندگی و تعاملات نشاطبخش در دوره‌ی‌های صمیمی بیشتر مورد استقبال قرار گرفته است. زیرا با توجه به یافته‌های کمی باید این را متذکر شد که خانوارهای شهری مناطق توسعه‌یافته و کمتر توسعه‌یافته، بر اساس معیارهای سبک زندگی‌شان، تشابه منزلتی و موقعیتی‌شان از تعاملات نشاطبخش به‌طور متفاوت بهره می‌برند. به‌عبارتی دیگر می‌توان گفت: با توجه به رهیافت اقتصادی، فرایند نشاط در زندگی افراد مبتنی بر منابع موجود، ساختار نیازها، مطلوبیت‌های زندگی و سودمند مادی متفاوت است، بر این اساس شهروندان با توجه به چنین شاخص‌هایی به ارتقای شادمانی و کیفیت زندگی خود می‌پردازند (Hezar jaribi & Safari Shali, 2012).

- از منظری دیگر وجود تفاوت نشاطبخشی در بین خانوارهای مشهدی می‌تواند ناشی از موقعیت اجتماعی - فرهنگی و بافت فضایی و مکانی هم باشد که در راستای اهمیت سیال بودن روابط اجتماعی در فضای اجتماعی قابل تأمل است. براین اساس مؤلفه‌های فردی تأثیر مستقیمی بر تعاملات اجتماعی و روابط پایدار اجتماعی دارد و هر فرد متناسب با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که در آن رشد کرده نوع و سطح خاصی از روابط نشاط‌برانگیز با دیگران را انتخاب می‌کند. در همین ارتباط به نظر Simmel^۱ فضاء^۱ به‌عنوان یکی از ارکان بنیادی تجربه‌ی انسانی ناشی از تعاملات متقابل در جامعه‌ی مدرن، فعالیت و کنش‌های انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر او اهمیت عنصر فضایی در تعاملات اجتماعی شهر مبتنی بر کیفیت فضاء است که باید در ترکیب پویایی‌ها و قابلیت‌های آفرینندگی انسانی به آن‌ها معنا داد در واقع انحصاری بودن، داشتن حد و حصر، ثبات صورت‌های اجتماعی در فضاء، همجواری، فاصله‌ی فضایی و در نهایت تحرک در فضا و ...

¹ space

باعث می‌شود که نوعی جهت‌گیری فضایی و مکانی ناشی از روابط اجتماعی تولید شود (Ebrahimi, 2009). بر این اساس چنین فضاهاهایی به شدت تحت تأثیر تعاملات و روابط نشاطبخش دائم باز نشر می‌شوند، بنابراین ممکن است باز نشر دائم روابط اجتماعی در سطح مناطق رو به توسعه به نسبت دیگر مناطق و محله‌ها از پویایی و سیالیت بیشتری برخوردار باشد که این پویایی معطوف به روابط اجتماعی، به بسترسازی و اهمیت نشاطبخشی مناطق کمک شایانی می‌کند.

در نهایت با توجه به مطالب سطور و صفحات قبل که از نتایج و تحلیل نظری بیان شد در ارتباط با موضوع این تحقیق به اجمال باید بگوییم که:

نشاطبخشی به آن دسته از تعاملات و ریختارهای رفتاری مطلوب معطوف به مبادله‌ی عواطف، احساسات، صمیمیت اطلاق می‌شود که به‌صورت کنشی به هم پیوسته و متقابل از طریق شیوه‌های کلامی و غیر کلامی به‌صورت معنادار جهت انتقال شور و شمع، حس خوب و آرامش در جمع صمیمی ابراز می‌گردد؛ و این رویه‌های رفتاری، ناشی از فضای حاکم بر عرف، هنجار، ارزش و ساختار بر هم‌نشینی‌های اجتماعی (جمع صمیمی) اثر می‌گذارد و به‌عنوان یک سرمایه‌ی بی‌بدیل باعث مطلوبیت، رضایت و تحکیم پیوندهای اجتماعی می‌گردد.

Reference:

Anbari, M. (2018), Happy Thanksgiving (Explaining Social Happy in Iran), First Edition, Tehran: University of Tehran Press. (Persian).

Anbari, M. (2013). "Happy Thanksgiving An effective model of happy living in Iran", Journal of Anthropology, 11, (18), 101-129. (Persian).

Argyle, M. (2004). Psychology of Happiness, Translators, Fatemeh Gohari, Masoud Taher Neshatdoost, Hamid Palahang, Hassan Bahrami under the supervision of Mehrdad Kalantari, First Edition, Isfahan: Isfahan University Jihad Publications. (Persian).

Argyle, M., Martin, M., & Lu, L. (1995). "Testing for Stress and Happiness: The Role of Social and Cognitive Factors", In C. D. Spilberger, & I. G. Sarason (Eds.), Stress and Emotion, pp: 173-187.

Akbari, H. (2015). Identification of urban injuries and abnormalities by urban neighborhoods, employer: Deputy of Planning and Development of Mashhad Municipality, autumn and winter, Publications of Mashhad Municipality Cultural and Social Studies Office. (Persian).

Azad Armaki, T. (2014). Schools and theories of sociology, first edition, Tehran: Science. Publishing. (Persian).

Babaei, GH. (2010). Study of the level of vitality and vitality of citizens in the city of Mashhad and provide solutions to strengthen it, the final report of the research project of the Islamic Council of Mashhad. Experimental supervisor of Mashhad Municipality Cultural and Recreational Organization. (Persian).

Chalabi, M., Mousavi, S. M. (2014). Sociological study of factors affecting happiness at micro and macro levels", in theoretical and comparative analysis in sociology, first edition, Tehran: Nashr-e Ney. (Persian).

Clark, V. L. P., Creswell, J. W., Green, D. O. N., & Shope, R. J. (2008). "Mixing quantitative and qualitative approaches", Handbook of emergent methods, 363-385.

Coleman, J. (1997). Foundations of Social Theory, translated by Manouchehr Sabouri, first edition, Tehran: Nashrni. (Persian).

Collins, R. (1990). "Stratification, Emotional Energy, and the Transient Emotions", Pp: 27-57 in Research Agenda in the Sociology of Emotions, (Ed). Theodore Kemper. Albany, N. Y. Sunny Press.

Collins, R. (1975). Conflict Sociology: towards an explanatory science. New York: Academic Press.

Coser, L. (1994). *Life and Thought of Sociological Elders*, translated by Mohsen Salasi, third edition, Tehran: Scientific Publications. (Persian).

Creswell, J. W. (2003). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*, Second Edition, and Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Diener, E.D. & Seligman, M.E. (2002). "Very happy people", *Journal of Psychological Science*, 13(1): 81-84.

Deutsch, M., Krauss, R. (1996). *Theories in Social Psychology*, Translated by Morteza Katabi, First Edition, Tehran: University of Tehran Press. (Persian).

Dalaney, T. (2010). *Classical Social Theory: investigation and application*, translated by Behrang Sedighi- Vahid Tolouei, third edition, Tehran: Nashr-e Ney. (Persian).

Ebrahimi, M. (2009). "Introduction and review of the book: Space and Social Theory", *Iranian Journal of Sociology*, 10, (3), 161-168. (Persian).

Ebrahimi Louyeh, A., Mirzaei Rajeooni, S. (2017). *Qualitative research in social sciences*, first edition, Tehran: Louyeh Publications. (Persian).

Franzoi, S. (2006). "Social Psychology", translated by Mehrdad Firoozbakht and Mansour Qanadan, second edition, Tehran: Rasa Publications. (Persian).

Forgas, J. P. (1994). *Psychology of social interaction (Interpersonal behavior)*, translated by Khashayar Beigi and Mehrdad Firoozbakht, first edition, Tehran: Abjad Publications. (Persian).

Ghaffari, Gh. Habibpour Gotabi, K. (2014). *Social policy, Conceptual and theoretical foundations*, first edition, Tehran: University of Tehran Press. (Persian).

Giddens, A., Sutton, Ph. (2016). *Sociology*, Translation by Houshang Naebi, Volume I, Seventh Edition, Tehran: Ney Publishing. (Persian).

Goffman, I., (2012). *Manifestation in everyday life*, translated by Masoud Kianpour, first edition, Tehran: Markaz Publishing. (Persian).

Hafeznia, M. R., (2014). *Research Method in Humanities*, 13th Edition, Publication: Tehran. (Persian).

Happiness report in Iran (happiness rate of provinces) (2017). March 29, available at <http://www.irna.ir/en/PhotoNews/3580203>. (Persian).

- Hayati, S. (2012). Analysis of Urban Intelligence Growth Indicators in Mashhad, Master Thesis in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad. (Persian).
- Hezar Jaribi, J., Safari Shali, R. (2012). Anatomy of Social Welfare, First Edition, Tehran: Farhang & Jame'e Publications. (Persian).
- Kalantari, Kh. (2008). Data processing and analysis in socio-economic research using Spss software, 3 Edition, Farhang Saba Publishing: Tehran. (Persian).
- Karimi, J. (2002). Social Psychology, 10th Edition, Tehran, Arasbaran Publications. (Persian).
- Kadivar, P. (2006). Psychology of Education, 9th Edition, Tehran: Samat Publishing. (Persian).
- Kerlinger, F N. (1998). Fundamentals of Behavioral Research, translated by Hassan Pasha Sharifi and Jafar Najafi Zand, first edition, Tehran: Avae Noor Publications., translated by Hassan Pasha Sharifi and Jafar Najafi Zand, first edition, Tehran: Avae Noor Publications. (Persian).
- Kianpour, M.; Aqababaei, E. (2017). Sociology of Emotions, First Edition, fall, Isfahan: Isfahan University Press. (Persian).
- Kivisto, P. (2008). Classical Contemporary Theory, Sage Publication, United Kingdom.
- Manning, Ph. (2001). Irving Goffman and Modern Sociology, translated by Sorakamyar, first edition, Tehran: Sarollah Publications. (Persian).
- Mashhad Municipality. (2018). Mashhad Statistics Yearbook 96, Mashhad Municipality Deputy of Planning and Human Capital Development under the supervision of Statistics Management and Information Analysis. (Persian).
- Maxwell, J. A., Loomis, D. M. (2003). "Mixed Methods Design: An Alternative Approach. In A. Tashakkori, and C. Teddlie (Eds.)", Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research (pp: 241–272). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Mohammadi ASL, A. (2009). Sociological Theories, First Edition, Tehran: Sociologists Publications. (Persian).
- Mohammadpour, A. (2013). Qualitative research method (anti-method 1 and 2), second edition, Tehran: Sociologists Publications. (Persian).
- Moradi, S. (2016). "Happiness policy in Iran, the current situation and policy recommendations", In the abstract of articles of the National Conference on Social Policy in Iran, Allameh Tabatabaei University, March. (Persian).

- Newman, K. M. (2018). "Is Social Connection the Best Path to Happiness?" At Retrieved from [http:// greatergood.berkeley.edu](http://greatergood.berkeley.edu).
- Rabbani Khorasgani, R; Kianpour, M. (2009). "Sociology of Emotions", *Applied Sociology*, 20(34):35-64. (Persian).
- Ritzer, G. (2014). *Sociological Theory*, translated by Houshang Naebi, first edition, Tehran: Ney Publishing. (Persian).
- Ritzer, G. (2010). *Foundations of Contemporary Sociological Theory and Its Classical Roots*, translated by Shahnaz Mosmaparast, first edition, Tehran: Third Edition. (Persian).
- Sam Aram, E. A. (2013). *Social Work Theories*, Second Edition, Tehran: Allameh Tabatabaei University Press. (Persian).
- Sarukhani, B. (1998). *Research Methods in Social Sciences*, Volume 2, First Edition, Publications of the Institute of Humanities and Cultural Studies: Tehran. (Persian).
- Seligman, M. (2016). *Authentic Happiness: using the new positive Psychology to realize your potential for lasting fulfillment* translated by Mostafa Tabrizi, Ramin Karimio, Ali Niloufari, fifth edition, Tehran: Danjeh Publications. (Persian).
- Seligman, M. (2015). *Flourish A visionary New Understanding of Happiness and well-being*, translated by Amir Kamkar and Sakineh Hejbarian, second edition, Tehran: Ravan Publishing. (Persian).
- Shojaei Zand, A. (2011). "Modernity and the power of choice", *Scientific-Research Quarterly of Islamic Philosophy and Theology Mirror of Knowledge*, Shahid Beheshti University, 9, (27), 75-115. (Persian).
- Thomas, J. Harden, A. (2008). "Methods for the thematic synthesis of qualitative research in systematic reviews", *BMC Medical Research Methodology*, 8(1), 45-55.
- Turner, J. H. (2003). *The Structure of Sociological Theory*, United State, Wadsworth.
- Taylor, Shelley E. (2018). *Health psychology*, Tenth edition. New York, NY: McGraw-Hill Education.
- Weber, M. (2014). *Economy and Society*, translated by Abbas Manouchehri, Mehrdad Torabinejad and Mostafa Emadzadeh, third edition, Tehran: Samat Publications. (Persian).
- Veenhoven. R. (1984). *Conditions of Happiness*. Dordrecht: Kluwer Academic.
- Zokaei, M.S. (2016). "Social happiness: obstacles, opportunities and policies", in: *Collection of articles on the country's social status report (Volume 3)*, Ministry of Interior, Social Council. Publications of the Institute of Culture and Arts in collaboration with the Institute of Cultural Studies and social; Ministry of Science, Research and Technology. (Persian).

A Sociological Study of Promoting Happiness Interactions in Mashhad (A Mixed Study)

Mohammad Hassan Sharbatian (Ph.D)¹

DOI: 10.22055/QJSD.2020.16737

Abstract:

The purpose was to describe the ways of using promoting happiness interactions and its types. This research has used purposeful-typical, simple random sampling appropriate to the volume of each urban area and spatial and regional sampling in step, qualitative (collective case study), quantitative step (descriptive survey) and point interpolation method (spatial analysis). The findings were based on thematic analysis, statistical description, and spatial analysis and clustering; Semi-in-depth interview, researcher-made questionnaire and drawing of urban maps were used. The field of research was 13 urban areas of Mashhad in 2019. The unit of observation of individuals has been in the household procedure and at the level of spatial analysis of urban blocks. The alpha of the research is equal to (0.80). Based on qualitative findings, promoting happiness interactions are defined at both ends of to make happy (hot and cold type) and recipient of happiness. The most important categories of qualitative practice based on the typology achieved are the representation of behavioral and expressive situations, the deconstruction of expressive and behavioral positions, social influence, altruism, other-seeking, empathetic introspection, Quantitative results and spatial analysis show that the hot type focused on excitement was much lower than average and the cold type focused on good sense was above average. Finally, promoting happiness according to the clustering test between regions (1, 2, 4, 5) is below average and the citizens of regions (3, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 12 and Samen) the upper average is obtained.

Key Concepts: Hot type and Cold type, Promoting Happiness Interactions, Behavioral and Expressive Methods, Mashhad

1. PhD in sociology (study of social issues in Iran), Graduate Studies Center of Payame Noor University, Tehran, Iran, sharbatian@yahoo.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).